

The New Social Order in the Supreme Leader's Thought: A Model for Transitioning from Contemporary Challenges to the New Islamic Civilization

1. Zahra. Mohammadi*

1. PhD candidate in Political Science, Baft Department, Islamic Azad University, Baft, Iran

Email: zahramohammadiza99@gmail.com Received: 18.12.2023 Acceptance: 07.03.2024

*Journal of
Social-Political Studies of
Iran's Culture and History*

<http://journalspsich.com>

Vol. 2, No 4, Pp: 456-500
Winter 2023

Original research article

How to Cite This Article:

Mohammadi, Z. (2023). The New Social Order in the Supreme Leader's Thought: A Model for Transitioning from Contemporary Challenges to the New Islamic Civilization, *spsich*, 2(4): 456-500.



© 2023 by the authors. License Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

Abstract

The present study aims to explain the model of a new social order in the thought of the Supreme Leader of the Islamic Revolution and its implications for transitioning from contemporary challenges to the new Islamic civilization. In an era of rapid global changes and complex social challenges, understanding and redefining the concept of social order has gained critical importance. This study, employing a qualitative approach and utilizing the thematic analysis method, deeply examines the statements and writings of the Supreme Leader during the period from 1989 to 2022. The research findings identify eight overarching themes as the main dimensions of the new social order: internal solidity and system stability, ethical and spiritual orientation of society, active and responsible public participation, comprehensive self-sufficiency and independence, justice orientation and elimination of discrimination, constructive dynamism and adaptability, transparency and governmental accountability, and vigilance and resistance against threats. This model, through a creative combination of traditional and modern elements and a simultaneous emphasis on both material and spiritual dimensions of social life, demonstrates significant capacity to address contemporary social order challenges and move towards the new Islamic civilization. A comparative analysis of this model with classical and contemporary theories of social order reveals notable innovations in integrating agency and structure, dynamism and stability, and material and spiritual dimensions. While offering practical solutions for implementing the model, this research also emphasizes the necessity of further studies to gain a deeper understanding of the various aspects of this model and its implementation challenges.

Keywords: New Social Order, Thought of the Supreme Leader of the Islamic Revolution, New Islamic Civilization, Transition Era, Islamic-Iranian Social Order Model.

نظم اجتماعی نوین در اندیشه رهبری: الگوی گذار از چالش‌های معاصر به سوی تمدن نوین اسلامی

زهرا محمدی*

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران

دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸ | پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۷ | ایمیل نویسنده مسئول: zahramohammadiza99@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین الگوی نظم اجتماعی نوین در اندیشه رهبری انقلاب اسلامی و دلالت‌های آن برای گذار از چالش‌های معاصر به سوی تمدن نوین اسلامی انجام شده است. در عصر تحولات سریع جهانی و چالش‌های پیچیده اجتماعی، درک و بازتعریف مفهوم نظم اجتماعی اهمیتی حیاتی یافته است. این مطالعه با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل مضمون، به بررسی عمیق بیانات و مکتوبات رهبر انقلاب در بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۱ پرداخته است. یافته‌های پژوهش، هشت مضمون فراگیر را به عنوان ابعاد اصلی نظم اجتماعی نوین شناسایی کرده است: استحکام درونی و پایداری نظام، اخلاق‌مداری و معنویت‌گرایی جامعه، مشارکت فعال و مسئولانه مردمی، خودکفایی و استقلال همه‌جانبه، عدالت‌محوری و رفع تبعیض، پویایی و تحول‌پذیری سازنده، شفافیت و پاسخگویی حاکمیتی، و هوشیاری و مقاومت در برابر تهدیدات. این الگو با ترکیب خلاقانه عناصر سنتی و مدرن، و تأکید همزمان بر ابعاد مادی و معنوی حیات اجتماعی، ظرفیت قابل توجهی برای پاسخگویی به چالش‌های معاصر نظم اجتماعی و حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی نشان می‌دهد. مقایسه تطبیقی این الگو با نظریات کلاسیک و معاصر نظم اجتماعی، نشان‌دهنده نوآوری‌های قابل توجهی در زمینه تلفیق عاملیت و ساختار، پویایی و ثبات، و ابعاد مادی و معنوی است. این پژوهش ضمن ارائه راهکارهای عملیاتی برای پیاده‌سازی الگو، بر ضرورت مطالعات بیشتر برای درک عمیق‌تر ابعاد مختلف این الگو و چالش‌های اجرایی آن تأکید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: نظم اجتماعی نوین، اندیشه رهبری انقلاب اسلامی، تمدن نوین اسلامی، دوران گذار، الگوی نظم اجتماعی اسلامی-ایرانی.

فصلنامه علمی

مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ و فرهنگ ایران

<http://journalspsich.com>

دوره ۲ | شماره ۴ | صص ۴۵۶-۵۰۰

زمستان ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید

درون متن

(محمدی، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع

محمدی، زهرا. (۱۴۰۲). نظم اجتماعی نوین در اندیشه رهبری: الگوی گذار از چالش‌های معاصر به سوی تمدن نوین اسلامی. مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ و فرهنگ ایران، ۲(۴): ۵۰۰-۴۵۶.

۱. مقدمه

تحولات عمیق اجتماعی-سیاسی سده بیستم، مفهوم نظم اجتماعی را در کانون توجه اندیشمندان علوم اجتماعی قرار داد. از نظریه‌پردازی‌های کلاسیک دورکیم درباره همبستگی اجتماعی تا تحلیل‌های انتقادی فوکو از سازوکارهای قدرت، همگی تلاشی برای فهم و تبیین چگونگی شکل‌گیری، تداوم و تغییر نظم اجتماعی بوده‌اند. در این میان، انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از مهم‌ترین رخدادهای قرن بیستم، نه تنها ساختارهای سیاسی-اجتماعی یک کشور را دگرگون ساخت، بلکه چالشی جدی برای نظریات موجود درباره نظم اجتماعی ایجاد کرد.

انقلاب اسلامی با طرح ایده "نظام اسلامی" به عنوان بدیلی برای نظم‌های لیبرال و سوسیالیستی، ضرورت بازاندیشی در مفهوم نظم اجتماعی را مطرح ساخت (منصورنژاد و زمانی محبوب، ۱۳۹۲: ۲۳؛ Moshiri, 2019: 117-127). این انقلاب که بر پایه آموزه‌های اسلامی و با تکیه بر مفاهیمی چون عدالت، آزادی و معنویت شکل گرفت (مهاجرنیا، ۱۳۹۵: ۳۱-۵۰؛ مرندی، ۱۳۹۹: ۲۲۰-۲۳۷؛ Leezenberg, 2017: 112-115)، الگویی نوین از سازماندهی اجتماعی را پیش روی جهان معاصر قرار داد (Aminah & Eisenstadt, 2016: 172-173). با گذشت بیش از چهار دهه از این رخداد تاریخی، جمهوری اسلامی ایران همچنان در تلاش برای تحقق آرمان‌های انقلابی و بازسازی نظم اجتماعی مطلوب خود است، امری که در شرایط پیچیده و متحول جهان معاصر، چالش‌های متعددی را پیش روی این نظام قرار داده است (ساوه درودی و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۸).

در این میان، آموزه‌ها و رهنمودهای رهبر انقلاب اسلامی، به عنوان عالی‌ترین مقام نظام و متولی اصلی تبیین و ترسیم خطوط کلی نظام، نقشی محوری در شکل‌دهی به گفتمان بازسازی نظم اجتماعی در ایران معاصر ایفا می‌کند (مرندی، ۱۴۰۲: ۳۳-۳۴). این آموزه‌ها که طی بیش از سه دهه گذشته در قالب سخنرانی‌ها، پیام‌ها و مکتوبات متعدد ارائه شده‌اند، حاوی دیدگاه‌های راهبردی و عملیاتی درباره چیرستی نظم اجتماعی مطلوب، چالش‌های موجود و راهکارهای عبور از وضعیت کنونی هستند. با این حال، به‌رغم اهمیت و غنای محتوایی این آموزه‌ها، تاکنون تلاش نظام‌مندی برای استخراج و صورت‌بندی الگوی مفهومی منسجمی از آن‌ها صورت نگرفته است.

این خلأ پژوهشی در شرایطی که کشور با چالش‌های متعدد داخلی و بین‌المللی مواجه است و ضرورت بازنگری در الگوهای نظم اجتماعی بیش از پیش احساس می‌شود، اهمیتی دوچندان می‌یابد. به ویژه آنکه مفهوم "دوران گذار" که در سال‌های اخیر در ادبیات سیاسی کشور مطرح شده، نیازمند رویکردهای نوینی در عرصه نظریه‌پردازی و عمل اجتماعی است. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف پر کردن این شکاف مطالعاتی، به دنبال پاسخگویی به این پرسش اصلی است که: "الگوی مفهومی نظم اجتماعی نوین در آموزه‌های رهبر انقلاب اسلامی چیست و چه دلالت‌هایی برای گذار از چالش‌های معاصر به سوی تمدن نوین اسلامی دارد؟"

برای پاسخ به این پرسش، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و با استفاده از روش‌های تحلیل مضمون و تحلیل گفتمان انتقادی، به بررسی و تحلیل عمیق بیانات و مکتوبات رهبر انقلاب در بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۱ می‌پردازد. این بازه زمانی به دلیل دربرگرفتن دوران رهبری ایشان و تحولات مهم داخلی و بین‌المللی انتخاب شده است. فرآیند تحلیل داده‌ها شامل سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و ترسیم و تحلیل شبکه مضامین است که طی آن، مفاهیم و مقوله‌های اصلی شناسایی شده و در نهایت به استخراج الگوی مفهومی نهایی منجر می‌شود.

نوآوری و ارزش افزوده این پژوهش را می‌توان در سه سطح نظری، روش‌شناختی و کاربردی مورد توجه قرار داد. در سطح نظری، این مطالعه با ارائه الگوی مفهومی منسجمی از آموزه‌های رهبری درباره نظم اجتماعی نوین، به غنای ادبیات موجود در حوزه نظریه‌پردازی بومی می‌افزاید. از منظر روش‌شناختی، ترکیب روش‌های تحلیل مضمون و تحلیل گفتمان انتقادی، امکان بررسی عمیق‌تر و چندلایه‌تر متون را فراهم می‌آورد. در سطح کاربردی نیز، یافته‌های این پژوهش می‌تواند راهنمای عمل نخبگان و مدیران ارشد کشور در طراحی و اجرای راهبردهای مرتبط با بازسازی نظم اجتماعی در دوران گذار باشد.

۱. مبانی نظری و ادبیات پژوهش

۱-۱. مفهوم‌شناسی نظم اجتماعی و بازسازی آن

۱-۱-۱. تعاریف و رویکردهای مختلف به نظم اجتماعی

نظم اجتماعی یکی از مفاهیم بنیادین و در عین حال پیچیده در علوم اجتماعی است که از دیرباز مورد توجه اندیشمندان این حوزه قرار داشته است. این مفهوم به طور کلی به الگوهای پایدار و قابل پیش‌بینی رفتار و تعاملات اجتماعی اشاره دارد که موجب ثبات و انسجام در جامعه می‌شود. با این حال، تعاریف و رویکردهای متعددی نسبت به آن وجود دارد که هر یک بر ابعاد خاصی تأکید می‌کنند.

از منظر جامعه‌شناسی کلاسیک، امیل دورکیم نظم اجتماعی را حاصل همبستگی اجتماعی می‌داند که در جوامع سنتی بر پایه شباهت‌ها (همبستگی مکانیکی) و در جوامع مدرن بر اساس تقسیم کار و وابستگی متقابل (همبستگی ارگانیکی) شکل می‌گیرد (Durkheim, 2000[1893]). ماکس وبر نیز با تأکید بر مشروعیت، نظم اجتماعی را نتیجه پذیرش قواعد و هنجارها از سوی افراد جامعه می‌داند (Weber, 2019[1922]).

در نگاه کارکردگرایان همچون تالکوت پارسونز، نظم اجتماعی محصول کارکرد هماهنگ نهادهای اجتماعی و درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارهای مشترک است (Parsons, 1951). در مقابل، نظریه‌پردازان تضاد مانند مارکس بر نقش قدرت و سلطه در ایجاد و حفظ نظم اجتماعی تأکید می‌کنند (Marx, 2019[1867]).

رویکردهای معاصرتر همچون نظریه ساختاربندی آنتونی گیدنز، نظم اجتماعی را نه امری ثابت و از پیش تعیین شده، بلکه فرآیندی پویا و در حال شدن می‌دانند که مداوماً از طریق کنش متقابل عاملیت انسانی و ساختارهای اجتماعی بازتولید می‌شود (Giddens, 1984). پیر بوردیو نیز با مفهوم "میدان" خود، نظم اجتماعی را حاصل مبارزه و رقابت گروه‌های مختلف بر سر سرمایه‌های مادی و نمادین می‌داند (Bourdieu, 2020[1977]).

در مجموع می‌توان گفت نظم اجتماعی مفهومی چندبعدی است که ابعاد هنجاری، ساختاری، نهادی و فرهنگی را در بر می‌گیرد. درک جامع آن مستلزم توجه توأمان به نقش عاملیت انسانی و ساختارهای اجتماعی، سازوکارهای رسمی و غیررسمی، و فرآیندهای خرد و کلان اجتماعی است.

۱-۱-۲. مفهوم بازسازی نظم اجتماعی و ضرورت آن

بازسازی نظم اجتماعی به فرآیند تغییر و بازآفرینی الگوهای پایدار روابط و تعاملات اجتماعی اشاره دارد. این مفهوم بر پویایی و انعطاف‌پذیری نظم اجتماعی تأکید داشته و آن را نه امری ثابت و ایستا، بلکه فرآیندی مداوم از ساخت‌یابی و تجدید ساختار می‌داند.

ضرورت بازسازی نظم اجتماعی از چند عامل اساسی ناشی می‌شود:

۱. تحولات ساختاری: تغییرات عمیق در ساختارهای اقتصادی، سیاسی و فناورانه جوامع که الگوهای پیشین نظم اجتماعی را با چالش مواجه می‌سازد.

۲. تغییرات فرهنگی: دگرگونی در ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای فرهنگی که مشروعیت نظم موجود را زیر سؤال می‌برد.

۳. ظهور مسائل و چالش‌های جدید: بروز مشکلات و نیازهای نوظهور اجتماعی که نظم موجود قادر به پاسخگویی به آن‌ها نیست.

۴. ناکارآمدی نهادی: ضعف و ناکارآمدی نهادهای موجود در برآوردن نیازها و انتظارات جدید جامعه.

۵. تحولات جهانی: تأثیرات فرآیندهای جهانی شدن بر ساختارها و فرآیندهای داخلی جوامع.

در این راستا، بازسازی نظم اجتماعی می‌تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد؛ از اصلاحات تدریجی گرفته تا تغییرات بنیادین و انقلابی. نکته مهم آن است که این فرآیند صرفاً امری فنی و مدیریتی نیست، بلکه ماهیتی سیاسی و ارزشی دارد و مستلزم مذاکره و توافق میان گروه‌های مختلف اجتماعی است.

در زمینه بازسازی نظم اجتماعی، نظریه‌پردازانی چون یورگن هابرماس بر اهمیت گفتگوی عمومی و کنش ارتباطی تأکید کرده‌اند (Habermas, 1981). آلن تورن نیز با مفهوم "خودتولیدی جامعه" بر نقش جنبش‌های اجتماعی در بازتعریف هنجارها و ارزش‌های اجتماعی تأکید می‌کند (Thorne, 1977).

در مجموع، بازسازی نظم اجتماعی فرآیندی پیچیده و چندبعدی است که مستلزم توجه توأمان به ابعاد ساختاری، نهادی، فرهنگی و کنشی است. درک صحیح این فرآیند و چگونگی مدیریت آن یکی از چالش‌های اساسی جوامع معاصر به شمار می‌رود.

۱-۲. نظریات مرتبط با نظم اجتماعی و تحول آن

۱-۲-۱. نظریات کلاسیک نظم اجتماعی (دورکیم، وبر، پارسونز)

نظریات کلاسیک نظم اجتماعی بنیان‌های نظری مهمی را برای درک چگونگی شکل‌گیری و تداوم نظم در جوامع فراهم کرده‌اند. سه متفکر برجسته در این زمینه - امیل دورکیم، ماکس وبر و تالکوت پارسونز - هر یک از زاویه‌ای خاص به این موضوع پرداخته‌اند.

امیل دورکیم (1893[2000]) با تمرکز بر مفهوم همبستگی اجتماعی، دو نوع نظم را در جوامع شناسایی می‌کند:

۱. همبستگی مکانیکی: در جوامع سنتی که بر پایه شباهت‌ها و ارزش‌های مشترک شکل می‌گیرد.
 ۲. همبستگی ارگانیکی: در جوامع مدرن که بر اساس تقسیم کار و وابستگی متقابل ایجاد می‌شود.
- دورکیم معتقد است گذار از جامعه سنتی به مدرن با تغییر در ماهیت نظم اجتماعی همراه است. او همچنین بر نقش "وجدان جمعی" و "اخلاق" در حفظ انسجام اجتماعی تأکید می‌کند.
- ماکس وبر (1922[2019]) با تمرکز بر مفهوم مشروعیت، سه نوع اقتدار مشروع را شناسایی می‌کند که هر یک می‌تواند مبنای نظم اجتماعی قرار گیرد:

۱. اقتدار سنتی: مبتنی بر سنت‌ها و رسوم
 ۲. اقتدار کاریزماتیک: مبتنی بر ویژگی‌های شخصی رهبر
 ۳. اقتدار قانونی-عقلانی: مبتنی بر قوانین و مقررات رسمی
- وبر همچنین بر اهمیت "معنا" در کنش اجتماعی و نقش آن در شکل‌گیری نظم تأکید می‌کند.
- تالکوت پارسونز (1951) با رویکردی کارکردگرایانه، نظم اجتماعی را حاصل کارکرد هماهنگ چهار خرده‌نظام اصلی جامعه می‌داند:

۱. نظام اقتصادی (تطبیق)
 ۲. نظام سیاسی (دستیابی به هدف)
 ۳. نظام اجتماعی (یکپارچگی)
 ۴. نظام فرهنگی (حفظ الگو)
- از نظر پارسونز، درونی‌سازی ارزش‌ها و هنجارهای مشترک از طریق فرآیند جامعه‌پذیری، نقشی کلیدی در حفظ نظم اجتماعی ایفا می‌کند.

این نظریات کلاسیک، به‌رغم تفاوت‌هایشان، بر اهمیت عناصر مشترکی چون ارزش‌ها، هنجارها، نهادها و سازوکارهای کنترل اجتماعی در ایجاد و حفظ نظم تأکید دارند. با این حال، آن‌ها عمدتاً

رویکردی کلان و ساختاری به موضوع داشته و کمتر به نقش عاملیت انسانی و پویایی‌های خرد اجتماعی توجه می‌کنند.

۱-۲-۲. نظریه‌های معاصر نظم اجتماعی (گیدنز، هابرماس، بوردیو)

نظریه‌پردازان معاصر، ضمن بهره‌گیری از میراث نظری کلاسیک‌ها، تلاش کرده‌اند با رویکردی پویاتر و چندبعدی‌تر به مسئله نظم اجتماعی بپردازند. سه متفکر برجسته در این زمینه - آنتونی گیدنز، یورگن هابرماس و پیر بوردیو - هر یک سهم مهمی در غنای نظری این حوزه داشته‌اند.

آنتونی گیدنز (1984) با نظریه ساختاربندهی خود، تلاش می‌کند دوگانگی عاملیت-ساختار را در تبیین نظم اجتماعی حل کند. از نظر او، نظم اجتماعی نه امری از پیش تعیین شده، بلکه فرآیندی پویا و در حال شدن است که مداوماً از طریق کنش متقابل عاملیت انسانی و ساختارهای اجتماعی بازتولید می‌شود. گیدنز بر مفهوم "بازاندیشی" تأکید می‌کند و معتقد است در جوامع مدرن، افراد و نهادها مدام در حال بازنگری و بازتعریف خود و جایگاهشان در نظم اجتماعی هستند. این رویکرد امکان تغییر و تحول نظم اجتماعی را بیش از پیش فراهم می‌کند.

یورگن هابرماس (1981) با نظریه کنش ارتباطی خود، بر اهمیت گفتگو و تفاهم در شکل‌گیری نظم اجتماعی تأکید می‌کند. او معتقد است نظم اجتماعی پایدار نه از طریق زور یا منافع صرف، بلکه از طریق توافق عقلانی و ارتباط آزاد میان شهروندان شکل می‌گیرد. هابرماس با مفهوم "حوزه عمومی" بر اهمیت فضاهای گفتگوی آزاد در جامعه مدنی برای شکل‌گیری اجماع و مشروعیت نظم اجتماعی تأکید می‌کند.

پیر بوردیو ([1977]2020) با معرفی مفاهیمی چون "میدان"، "سرمایه" و "هابیتوس"، نگاهی پویا و رابطه‌ای به نظم اجتماعی ارائه می‌دهد. از نظر او، نظم اجتماعی حاصل مبارزه و رقابت مداوم گروه‌های مختلف بر سر منابع مادی و نمادین (سرمایه) در حوزه‌های مختلف اجتماعی (میدان‌ها) است. بوردیو بر نقش "خشونت نمادین" در حفظ نظم موجود و بازتولید نابرابری‌ها تأکید می‌کند. این نظریه‌پردازان معاصر با ارائه رویکردی پویاتر به نظم اجتماعی، بر جنبه‌های زیر تأکید دارند:

۱. تعامل پیچیده میان ساختار و عاملیت در شکل‌گیری و تداوم نظم اجتماعی
۲. نقش فعال کنشگران در تفسیر، بازتولید و تغییر نظم اجتماعی
۳. اهمیت ارتباطات، گفتگو و توافق در ایجاد مشروعیت برای نظم اجتماعی
۴. توجه به روابط قدرت و مبارزات نمادین در شکل‌دهی به نظم اجتماعی
۵. امکان تغییر و تحول مداوم در نظم اجتماعی

۱-۲-۳. نظریات انتقادی و پسا ساختارگرا درباره نظم اجتماعی

نظریات انتقادی و پسا ساختارگرا با به چالش کشیدن مفروضات بنیادین نظریات پیشین، افق‌های جدیدی را در فهم نظم اجتماعی گشوده‌اند. این رویکردها عمدتاً بر نقش قدرت، گفتمان و سوژگی در شکل‌گیری نظم اجتماعی تمرکز دارند.

میشل فوکو^۱ (1977) به عنوان یکی از متفکران کلیدی این جریان، با مفهوم "قدرت/دانش" نشان می‌دهد چگونه نظم اجتماعی از طریق گفتمان‌های مسلط و رژیم‌های حقیقت شکل می‌گیرد. از نظر فوکو، قدرت نه امری متمرکز در دست حاکمان، بلکه شبکه‌ای از روابط است که در تمام سطوح جامعه جریان دارد و از طریق نهادها، گفتمان‌ها و شیوه‌های انضباطی، افراد را به سوژه‌های مطیع تبدیل می‌کند. فوکو با مفهوم "حکومت‌مندی" نشان می‌دهد چگونه در جوامع مدرن، نظم اجتماعی از طریق تکنیک‌های ظریف کنترل و خودتنظیمی افراد حفظ می‌شود.

ژاک دریدا^۲ (1976[1967]) با رویکرد واسازی خود، ساختارهای دوگانه و سلسله‌مراتبی که نظم اجتماعی بر آن‌ها استوار است را به چالش می‌کشد. او نشان می‌دهد چگونه مفاهیم و تقابل‌های دوگانه‌ای چون نظم/بی‌نظمی، طبیعی/غیرطبیعی یا مرکز/حاشیه در شکل‌دهی به نظم اجتماعی نقش دارند و چگونه می‌توان این ساختارها را واسازی کرد.

ژان فرانسوا لیوتار^۳ (1994[1979]) با نقد "فراروایت‌ها" نشان می‌دهد چگونه نظم اجتماعی مدرن بر پایه روایت‌های کلان مشروعیت‌بخش (مانند پیشرفت، آزادی یا عقلانیت) استوار بوده است. او معتقد است در دوران پسامدرن، این فراروایت‌ها اعتبار خود را از دست داده‌اند و ما با تکثر روایت‌های خرد مواجهیم که چالشی جدی برای نظم اجتماعی سنتی ایجاد می‌کنند.

ارنستو لاکلائو^۴ و شانتال موف^۵ (2014[1985]) با نظریه گفتمان خود، نظم اجتماعی را حاصل مفصل‌بندی موقت معانی و هویت‌ها در قالب گفتمان‌های هژمونیک می‌دانند. از نظر آنها، هر نظم اجتماعی ذاتاً سیاسی و محل نزاع گفتمان‌های رقیب است.

این رویکردهای انتقادی و پسا ساختارگرا بر نکات زیر تأکید دارند:

۱. نقش محوری قدرت و گفتمان در شکل‌دهی به نظم اجتماعی
۲. عدم قطعیت و بی‌ثباتی ذاتی هر نظم اجتماعی
۳. اهمیت زبان، معنا و بازنمایی در ساخت واقعیت اجتماعی

۱. Michel Foucault

۲. Jacques Derrida

۳. Jean-François Lyotard

۴. Ernesto Laclau

۵. Chantal Mouffe

۴. نقد ذات‌گرایی و طبیعی‌انگاری نظم موجود

۵. توجه به صداهای حاشیه‌ای و گروه‌های فرودست در فهم و نقد نظم اجتماعی این نظریات با به چالش کشیدن مفروضات بنیادین درباره ماهیت نظم اجتماعی، امکان بازاندیشی عمیق در مورد ساز و کارهای قدرت، سلطه و مقاومت در جوامع معاصر را فراهم کرده‌اند.

۱-۳. نظم اجتماعی در اندیشه اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی

مفهوم نظم اجتماعی در اندیشه اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی ایران، با توجه به مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی خاص خود، ابعاد و ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. این رویکرد ضمن بهره‌گیری از برخی عناصر نظریات غربی، تلاش می‌کند الگویی بومی و منطبق با آموزه‌های اسلامی از نظم اجتماعی ارائه دهد.

در اندیشه اسلامی، نظم اجتماعی نه صرفاً امری قراردادی یا برآمده از منافع مادی، بلکه ریشه در فطرت انسانی و اراده الهی دارد. از این منظر، هدف غایی نظم اجتماعی نه صرفاً حفظ ثبات یا تأمین منافع مادی، بلکه زمینه‌سازی برای رشد و تعالی انسان‌ها و تحقق عدالت اجتماعی است.

مهم‌ترین ویژگی‌های نظم اجتماعی در اندیشه اسلامی عبارتند از:

۱. توحیدمحوری: نظم اجتماعی باید بر پایه توحید و خداواری استوار باشد.
۲. عدالت‌محوری: عدالت اجتماعی و اقتصادی رکن اساسی نظم اجتماعی اسلامی است.
۳. کرامت انسانی: حفظ کرامت و حقوق اساسی انسان‌ها از اصول بنیادین نظم اسلامی است.
۴. مشارکت و مسئولیت‌پذیری: نظم اجتماعی اسلامی بر مشارکت فعال و مسئولیت‌پذیری شهروندان تأکید دارد.
۵. اخلاق‌محوری: اخلاق و ارزش‌های معنوی نقشی محوری در حفظ نظم اجتماعی دارند.
۶. تعادل میان فرد و جامعه: نظم اسلامی به دنبال ایجاد تعادل میان حقوق فردی و مصالح جمعی است.

در گفتمان انقلاب اسلامی ایران، مفهوم نظم اجتماعی با ایده "نظام اسلامی" پیوند خورده است. امام خمینی (ره) (۱۳۴۹ [۱۳۸۸]) به عنوان بنیانگذار انقلاب اسلامی، نظم اجتماعی مطلوب را در قالب "حکومت اسلامی" تعریف می‌کند که بر پایه ولایت فقیه استوار است. از این منظر، نظم اجتماعی اسلامی نه تنها ابعاد سیاسی و حقوقی، بلکه ابعاد اخلاقی، فرهنگی و معنوی را نیز در بر می‌گیرد.

آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، با طرح ایده "تمدن نوین اسلامی" تلاش دارند افقی بلندمدت برای نظم اجتماعی اسلامی ترسیم کنند (اکبری و رضایی، ۱۳۹۶: ۸۵-۱۰۸). این ایده بر ضرورت بازسازی تمدن اسلامی بر پایه ارزش‌های دینی و در عین حال بهره‌گیری از دستاوردهای علمی و فنی جهان معاصر تأکید دارد.

متفکران و نظریه پردازان انقلاب اسلامی نیز هر یک از زاویه‌ای به مفهوم‌پردازی نظم اجتماعی اسلامی پرداخته‌اند:

- شهید مطهری (۱۳۷۰) بر نقش ایدئولوژی اسلامی در شکل‌دهی به نظم اجتماعی تأکید داشته و معتقد هستند که نظم پایدار تنها بر پایه جهان‌بینی توحیدی امکان‌پذیر است.

- علامه محمدتقی جعفری (۱۳۹۲) با طرح مفهوم "حیات معقول" تلاش می‌کند الگویی از نظم اجتماعی ارائه دهد که در آن رشد مادی و معنوی انسان‌ها به طور متوازن تأمین شود.

- آیت‌الله مصباح یزدی با تأکید بر نقش ارزش‌های اخلاقی و دینی، نظم اجتماعی اسلامی را بر پایه "فطرت" انسانی تبیین می‌کند (دیرباز و گنج‌خانی، ۱۴۰۱: ۳۷-۵۲).

در مجموع، نظم اجتماعی در اندیشه اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی، ضمن توجه به ابعاد مادی و عینی، بر جنبه‌های معنوی و ارزشی تأکید ویژه دارد. این رویکرد تلاش می‌کند با نقد مبانی سکولار نظریات غربی، الگویی بدیل از نظم اجتماعی ارائه دهد که در آن عدالت، معنویت و کرامت انسانی محوریت دارند. با این حال، این رویکرد با چالش‌هایی نیز مواجه است، از جمله:

۱. چگونگی ایجاد توازن میان اصول ثابت اسلامی و نیازهای متغیر جوامع معاصر
۲. نحوه مواجهه با تکثر فرهنگی و تنوع دیدگاه‌ها در جامعه
۳. چگونگی تعامل با نظم جهانی موجود و حفظ هویت اسلامی در عین مشارکت در فرآیندهای جهانی شدن

در نهایت، می‌توان گفت نظم اجتماعی در اندیشه اسلامی و گفتمان انقلاب اسلامی، مفهومی پویا و در حال تکامل است که تلاش دارد پاسخی بومی و منطبق با آموزه‌های دینی به چالش‌های نظم اجتماعی در جهان معاصر ارائه دهد.

این رویکرد با تأکید بر مفاهیمی چون عدالت، کرامت انسانی، مسئولیت اجتماعی و معنویت، می‌تواند افق‌های جدیدی را در نظریه‌پردازی درباره نظم اجتماعی بگشاید و به غنای گفتمان‌های موجود در این زمینه بیفزاید. همچنین، این رویکرد می‌تواند الهام‌بخش الگوهای بدیل توسعه و حکمرانی باشد که در آن ابعاد مادی و معنوی زندگی اجتماعی به طور متوازن مورد توجه قرار می‌گیرند.

با این حال، تحقق عملی این الگوی نظری از نظم اجتماعی، مستلزم پژوهش‌های بیشتر، نوآوری‌های نهادی و گفتگوهای انتقادی مداوم است تا بتواند پاسخگوی پیچیدگی‌های جوامع معاصر باشد و در عین حفظ اصول بنیادین خود، انعطاف‌پذیری لازم را برای مواجهه با چالش‌های نوظهور داشته باشد.

۱-۴. مفهوم دوران گذار و نسبت آن با نظم اجتماعی

مفهوم "دوران گذار" به دوره‌ای اطلاق می‌شود که در آن جامعه از یک وضعیت نسبتاً باثبات به وضعیتی دیگر حرکت می‌کند. این مفهوم در ادبیات جامعه‌شناسی و علوم سیاسی اهمیت ویژه‌ای

دارد، زیرا به ما امکان می‌دهد تا پویایی‌های تغییر اجتماعی و چالش‌های پیش روی نظم اجتماعی را در دوره‌های تحول بنیادین بهتر درک کنیم. Carothers, 2002; Scheffer, 2020; Grinin & (Grinin, 2022):

۱. عدم قطعیت: در این دوره، الگوهای پیشین نظم اجتماعی دچار تزلزل شده و الگوهای جدید هنوز به طور کامل شکل نگرفته‌اند.

۲. تغییرات ساختاری: تحولات عمیق در ساختارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی رخ می‌دهد.

۳. چالش‌های هویتی: ارزش‌ها و هنجارهای پیشین مورد بازنگری قرار می‌گیرند و هویت‌های جدید در حال شکل‌گیری هستند.

۴. تنش میان نیروهای محافظه‌کار و تحول‌خواه: کشمکش میان گروه‌های خواهان حفظ وضع موجود و طرفداران تغییر شدت می‌یابد.

۵. ظهور نهادها و ساختارهای جدید: نهادها و ساختارهای جدیدی برای پاسخ به نیازهای نوظهور شکل می‌گیرند.

نسبت دوران گذار با نظم اجتماعی را می‌توان از چند منظر بررسی کرد:

۱. چالش برای نظم موجود: دوران گذار اغلب با به چالش کشیده شدن نظم اجتماعی مستقر همراه است. مشروعیت نهادها و ساختارهای موجود زیر سؤال می‌رود و امکان بازتعریف قواعد بازی اجتماعی فراهم می‌شود.

۲. فرصت برای بازسازی نظم: این دوره فرصتی برای بازاندیشی در مبانی نظم اجتماعی و طراحی الگوهای جدید فراهم می‌کند. نظریه‌پردازانی چون کارل مارکس و آنتونی گیدنز بر پتانسیل تحول‌آفرین این دوره‌ها تأکید کرده‌اند.

۳. ریسک بی‌نظمی و آنومی: همان‌طور که امیل دورکیم اشاره کرده، دوران گذار می‌تواند به وضعیت آنومی (بی‌هنجاری) منجر شود که در آن قواعد و هنجارهای اجتماعی دچار ابهام و تزلزل می‌شوند.

۴. ظهور اشکال جدید نظم: در این دوره، امکان ظهور اشکال نوین نظم اجتماعی فراهم می‌شود. برای مثال، مانوئل کاستلز بر ظهور "جامعه شبکه‌ای" به عنوان شکل جدیدی از نظم اجتماعی در عصر اطلاعات تأکید می‌کند.

۵. تنش میان سطوح مختلف نظم: دوران گذار اغلب با تنش میان سطوح مختلف نظم (محلی، ملی و جهانی) همراه است. برای مثال، فرآیند جهانی شدن می‌تواند به تنش میان نظم ملی و نظم جهانی منجر شود.

در زمینه نسبت دوران گذار و نظم اجتماعی در ایران معاصر، می‌توان به چند نکته اشاره کرد:

۱. انقلاب اسلامی به عنوان نقطه عطف: انقلاب ۱۳۵۷ آغازگر دوره گذاری بنیادین در نظم اجتماعی ایران بود که تا امروز ادامه دارد.
 ۲. چالش‌های نوسازی و سنت: تنش میان الزامات نوسازی و حفظ ارزش‌های سنتی، یکی از ویژگی‌های اصلی این دوران گذار است.
 ۳. تحولات ژئوپلیتیک: تغییرات در نظم جهانی و منطقه‌ای (مانند فروپاشی شوروی و تحولات خاورمیانه) بر پویایی‌های دوران گذار در ایران تأثیرگذار بوده‌اند.
 ۴. چالش‌های اقتصادی: گذار از اقتصاد دولتی به سمت الگوهای جدید اقتصادی، یکی از ابعاد مهم این دوران گذار است.
 ۵. تحولات فرهنگی و ارزشی: تغییر در الگوهای زندگی، نظام ارزشی و هویت‌های اجتماعی از دیگر ویژگی‌های این دوره است.
- درک صحیح مفهوم دوران گذار و نسبت آن با نظم اجتماعی، برای تحلیل دقیق وضعیت کنونی جامعه ایران و ترسیم مسیر آینده ضروری است. این درک می‌تواند به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کمک کند تا استراتژی‌های مناسب‌تری برای مدیریت چالش‌های این دوره و حرکت به سمت نظم اجتماعی مطلوب اتخاذ کنند.

۵-۱. پیشینه مطالعات داخلی و خارجی

در این بخش، به بررسی جامع‌تر مطالعات داخلی و خارجی در زمینه نظم اجتماعی، با تمرکز ویژه بر مطالعات مرتبط با دوران گذار و بازسازی نظم اجتماعی می‌پردازیم. این بررسی گسترده‌تر به ما کمک می‌کند تا ضمن شناسایی خلأهای پژوهشی موجود، چارچوب نظری جامع‌تری برای مطالعه حاضر تدوین کنیم.

الف) مطالعات داخلی

۱. سعید حجازیان (۱۳۸۰) در "از شاهد قدسی تا شاهد بازاری" به تحلیل تحولات نظم اجتماعی در ایران معاصر می‌پردازد. او بر گذار از مشروعیت سنتی به مشروعیت عقلانی-قانونی تأکید می‌کند.
۲. محمدجواد غلامرضا کاشی (۱۳۹۰) در "جادوی گفتار" به تحلیل گفتمانی تحولات سیاسی-اجتماعی ایران معاصر می‌پردازد. او بر نقش گفتمان‌ها در شکل‌دهی به نظم اجتماعی تأکید می‌کند.
۳. حسین بشیریه (۱۳۸۱) در "موانع توسعه سیاسی در ایران" به بررسی چالش‌های نوسازی سیاسی و اجتماعی در ایران می‌پردازد. او بر تنش میان سنت و مدرنیته در شکل‌دهی به نظم اجتماعی تأکید می‌کند.
۴. مقصود فراستخواه (۱۳۹۵) در "ما ایرانیان" به تحلیل جامعه‌شناختی هویت ایرانی و چالش‌های آن در دوران معاصر می‌پردازد. او بر پیچیدگی‌های فرهنگی و هویتی در شکل‌دهی به نظم اجتماعی تأکید می‌کند.

۵. سعید معیدفر (۱۳۸۵) در "جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران" به بررسی چالش‌های اجتماعی معاصر ایران می‌پردازد. او بر ضرورت بازنگری در ساختارهای اجتماعی برای حل مسائل نوظهور تأکید می‌کند.

۶. یوسف‌زاده (۱۳۸۵) در مقاله "نظم اجتماعی در اسلام" به بررسی مفهوم نظم اجتماعی از منظر اسلامی می‌پردازد. او بر نقش ارزش‌های اسلامی در شکل‌دهی به نظم اجتماعی تأکید می‌کند.

۷. مسعود چلبی (۱۳۷۵) در کتاب "جامعه‌شناسی نظم" به بررسی نظریات مختلف درباره نظم اجتماعی می‌پردازد. او تفاوت‌های رویکردهای کارکردگرایی، تضاد و کنش متقابل نمادین را در تبیین نظم اجتماعی تحلیل می‌کند.

۸. خدیجه چارواری (۱۳۹۴) در مقاله "نظریه بازسازی اجتماعی" به بررسی مفهوم بازسازی اجتماعی و ارتباط آن با نظم اجتماعی می‌پردازد. او بر اهمیت آموزش و پرورش در بازسازی نظم اجتماعی تأکید می‌کند.

۹. کچوپیان و محمدی (۱۴۰۱) در مقاله "انقلابات؛ ظهور جمعی امر قدسی و تأسیس نظم اجتماعی" به بررسی نقش انقلاب‌ها در بازسازی نظم اجتماعی می‌پردازند. آن‌ها بر اهمیت عناصر معنوی و قدسی در شکل‌گیری نظم جدید تأکید می‌کنند.

ب) مطالعات خارجی

۱. ساموئل هانتینگتون (1968) در کتاب "نظم سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی" به بررسی چالش‌های نظم اجتماعی در دوران گذار از جامعه سنتی به مدرن می‌پردازد. او بر اهمیت نهادسازی در حفظ ثبات سیاسی تأکید می‌کند.

۲. آنتونی گیدنز (1990) در "پیامدهای مدرنیت" به تحلیل تغییرات ساختاری در نظم اجتماعی جوامع معاصر می‌پردازد. او مفهوم "بازاندیشی" را برای توضیح پویایی‌های نظم اجتماعی در عصر مدرن متأخر به کار می‌گیرد.

۳. مانوئل کاستلز^۱ (1996) در سه‌گانه "عصر اطلاعات" به تحلیل تحولات نظم اجتماعی در عصر دیجیتال می‌پردازد. او بر ظهور "جامعه شبکه‌ای" به عنوان شکل جدیدی از نظم اجتماعی تأکید می‌کند.

۴. فرانسیس فوکویاما^۲ (2011) در "منشأ نظم سیاسی" به بررسی تاریخی شکل‌گیری نظم سیاسی در جوامع مختلف می‌پردازد. او بر اهمیت نهادهای سیاسی قوی در حفظ نظم اجتماعی تأکید می‌کند.

^۱. Manuel Castells

^۲. Francis Fukuyama

۵. چارلز تیلی^۱ (2007) در "دموکراسی" به بررسی فرآیندهای دموکراتیزاسیون و نقش آن در بازسازی نظم اجتماعی می‌پردازد. او بر اهمیت مبارزات اجتماعی در شکل‌دهی به نظم دموکراتیک تأکید می‌کند.
۶. پیتر ورسلی^۲ و همکاران (1987) در "نظریه‌های جامعه‌شناسی نظم" به بررسی دیدگاه‌های مختلف درباره نظم اجتماعی می‌پردازد. او تفاوت‌های رویکردهای کارکردگرای و تضاد را در تبیین نظم اجتماعی تحلیل می‌کند.
۷. یورگن هابرماس (1981) در "نظریه کنش ارتباطی" به نقش ارتباطات و گفتگو در شکل‌گیری نظم اجتماعی می‌پردازد. او بر اهمیت "حوزه عمومی" در ایجاد توافق و مشروعیت تأکید می‌کند.
۸. زیگمونت باومن^۳ (2000) در "مدرنیته سیال" به تحلیل تغییرات نظم اجتماعی در دوران پسامدرن می‌پردازد. او بر سیالیت و عدم قطعیت به عنوان ویژگی‌های اصلی نظم اجتماعی معاصر تأکید می‌کند.
۹. اولریش بک^۴ (1992) در "جامعه خطر" به بررسی تأثیر خطرات جدید (مانند بحران‌های زیست‌محیطی) بر نظم اجتماعی می‌پردازد. او بر ضرورت بازاندیشی در ساختارهای اجتماعی برای مواجهه با این خطرات تأکید می‌کند.

جدول ۱: خلاصه مطالعات کلیدی در زمینه نظم اجتماعی و دوران گذار

| پژوهشگر | سال | عنوان اثر | یافته‌های کلیدی |
|--------------|--------|---------------------------------|---|
| حجاریان | ۱۳۸۰ | از شاهد قدسی تا شاهد بازاری | گذار از مشروعیت سنتی به عقلانی-قانونی |
| بشیریه | ۱۳۸۱ | موانع توسعه سیاسی در ایران | تنش میان سنت و مدرنیته در نظم اجتماعی |
| یوسفزاده | ۱۳۸۵ | نظم اجتماعی در اسلام | نقش ارزش‌های اسلامی در نظم اجتماعی |
| کاشی | ۱۳۹۰ | جادوی گفتار | نقش گفتمان‌ها در شکل‌دهی نظم اجتماعی |
| کریمی | ۱۳۹۳ | جامعه‌شناسی نظم | مقایسه رویکردهای مختلف به نظم اجتماعی |
| چارواری | ۱۳۹۴ | نظریه بازسازی اجتماعی | نقش آموزش در بازسازی نظم اجتماعی |
| معیدفر | ۱۳۹۵ | جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران | ضرورت بازنگری در ساختارهای اجتماعی |
| فراستخواه | ۱۳۹۸ | ما ایرانیان | پیچیدگی‌های فرهنگی و هویتی در نظم اجتماعی |
| کچویان محمدی | و ۱۴۰۱ | انقلابات و تأسیس نظم اجتماعی | نقش عناصر قدسی در شکل‌گیری نظم جدید |

۱. Charles Tilly

۲. Peter Worsley

۳. Zygmunt Bauman

۴. Ulrich Beck

| | | | |
|------------|------|-----------------------------------|--|
| هانتینگتون | 1968 | نظم سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی | اهمیت نهادسازی در حفظ ثبات سیاسی |
| هابرماس | 1981 | نظریه کنش ارتباطی | نقش ارتباطات و حوزه عمومی در نظم اجتماعی |
| ورسلی | 1988 | نظریه‌های جامعه‌شناسی نظم | مقایسه رویکردهای کارکردگرایی و تضاد |
| گیدنز | 1990 | پیامدهای مدرنیت | نقش بازاندیشی در پویایی نظم اجتماعی مدرن |
| بک | 1992 | جامعه خطر | تأثیر خطرات جدید بر بازسازی نظم اجتماعی |
| کاستلز | 1996 | عصر اطلاعات | ظهور جامعه شبکه‌ای به عنوان شکل جدید نظم |
| باومن | 2000 | مدرنیته سیال | سیالیت و عدم قطعیت در نظم اجتماعی معاصر |
| تیلی | 2007 | دموکراسی | نقش مبارزات اجتماعی در شکل‌دهی نظم دموکراتیک |
| فوکویاما | 2011 | منشأ نظم سیاسی | اهمیت نهادهای سیاسی قوی در حفظ نظم |

مرور گسترده پیشینه نشان می‌دهد که مطالعات متنوعی در زمینه نظم اجتماعی و دوران گذار انجام شده است. این مطالعات طیف وسیعی از رویکردها، از نظریات کلاسیک تا دیدگاه‌های معاصر و بومی را در بر می‌گیرند. با این حال، خلأهایی نیز در این حوزه وجود دارد، از جمله:

۱. کمبود مطالعات تطبیقی که تجربه ایران را با سایر کشورها در زمینه بازسازی نظم اجتماعی مقایسه کنند.
۲. نیاز به پژوهش‌های بیشتر درباره نقش فناوری‌های نوین در تحول نظم اجتماعی، به ویژه در زمینه شبکه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی.
۳. ضرورت مطالعات بین‌رشته‌ای که ابعاد مختلف نظم اجتماعی (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و فناورانه) را به صورت یکپارچه بررسی کنند.
۴. نیاز به پژوهش‌های عمیق‌تر درباره نقش عوامل فراملی (مانند جهانی شدن و بحران‌های جهانی) در تحول نظم اجتماعی کشورها.
۵. ضرورت مطالعات آینده‌پژوهانه که سناریوهای مختلف تحول نظم اجتماعی در دهه‌های آینده را ترسیم کنند.

این مرور پیشینه، زمینه مناسبی را برای تدوین چارچوب مفهومی پژوهش حاضر فراهم می‌کند و به ما کمک می‌کند تا با درک عمیق‌تری از ادبیات موجود، به تحلیل نظم اجتماعی نوین در اندیشه رهبری و دلالت‌های آن برای گذار از چالش‌های معاصر به سوی تمدن نوین اسلامی بپردازیم.

۱-۶. هم‌نهشت نظری و ارائه چارچوب مفهومی اولیه

بررسی جامع مبانی نظری و پیشینه پژوهش در زمینه نظم اجتماعی و بازسازی آن در دوران گذار، امکان ارائه یک سنتز نظری و چارچوب مفهومی اولیه برای مطالعه حاضر را فراهم می‌کند. این چارچوب مفهومی تلاش دارد با ترکیب عناصر کلیدی نظریات مختلف و در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص جامعه ایران و اندیشه رهبری، مدلی جامع برای تحلیل نظم اجتماعی نوین در گذار به سوی تمدن نوین اسلامی ارائه دهد.

(۱) ماهیت چندبعدی نظم اجتماعی:

چارچوب مفهومی پیشنهادی بر ماهیت چندبعدی نظم اجتماعی تأکید دارد. این ابعاد عبارتند از: الف) بعد ساختاری: شامل نهادها، قوانین و ساختارهای رسمی و غیررسمی (هانتینگتون، ۱۹۶۸؛ گیدنز، ۱۹۹۰)

ب) بعد فرهنگی-ارزشی: شامل ارزش‌ها، هنجارها و باورهای مشترک (دورکیم، ۱۸۹۳؛ یوسف‌زاده، ۱۳۸۵)

ج) بعد ارتباطی: شامل الگوهای تعامل و ارتباطات اجتماعی (هابرماس، ۱۹۸۱؛ کاستلز، ۱۹۹۶)

د) بعد قدرت: شامل توزیع قدرت و سازوکارهای اعمال آن (وبر، ۱۹۲۲؛ فوکو، ۱۹۷۷)

ه) بعد فناورانه: شامل تأثیر فناوری‌های نوین بر روابط و ساختارهای اجتماعی (کاستلز، ۱۹۹۶؛ بک، ۱۹۹۲)

(۲) پویایی و بازاندیشی مداوم:

چارچوب پیشنهادی، نظم اجتماعی را نه امری ایستا، بلکه فرآیندی پویا و در حال شدن می‌داند که مدام در معرض بازاندیشی و بازسازی قرار دارد (گیدنز، ۱۹۹۰؛ باومن، ۲۰۰۰). این پویایی به ویژه در دوران گذار شدت می‌یابد.

(۳) تعامل عاملیت و ساختار:

این چارچوب بر تعامل دیالکتیکی میان عاملیت انسانی و ساختارهای اجتماعی در شکل‌دهی به نظم اجتماعی تأکید دارد (گیدنز، ۱۹۸۴). این امر به ویژه در فهم نقش رهبری و نخبگان در بازسازی نظم اجتماعی اهمیت دارد.

(۴) نقش گفتمان و معنا:

چارچوب مفهومی بر اهمیت گفتمان‌ها و نظام‌های معنایی در شکل‌دهی به نظم اجتماعی تأکید دارد (کاشی، ۱۳۹۰). این امر در تحلیل گفتمان رهبری درباره نظم اجتماعی نوین اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

(۵) تنش میان سنت و مدرنیته:

با توجه به ویژگی‌های خاص جامعه ایران، چارچوب پیشنهادی بر تنش میان عناصر سنتی و مدرن در شکل‌دهی به نظم اجتماعی تأکید دارد (بشیریه، ۱۳۸۱؛ فراستخواه، ۱۳۹۵).

(۶) نقش عناصر معنوی و قدسی:

با توجه به ماهیت اسلامی انقلاب و نظام سیاسی ایران، چارچوب مفهومی بر نقش عناصر معنوی و قدسی در شکل‌دهی به نظم اجتماعی تأکید دارد (کچویان و محمدی، ۱۴۰۱).

(۷) تأثیر عوامل فراملی:

چارچوب پیشنهادی، نظم اجتماعی را نه فقط محصول عوامل داخلی، بلکه متأثر از فرآیندهای جهانی شدن و تحولات بین‌المللی می‌داند (کاستلز، ۱۹۹۶؛ بک، ۱۹۹۲).

(۸) مفهوم "دوران گذار":

این چارچوب، مفهوم "دوران گذار" را به عنوان یک مفهوم کلیدی برای فهم پویایی‌های نظم اجتماعی در ایران معاصر به کار می‌گیرد. این مفهوم امکان تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی بازسازی نظم اجتماعی را فراهم می‌کند.

(۹) افق تمدنی:

با توجه به تأکید رهبری بر مفهوم "تمدن نوین اسلامی"، چارچوب پیشنهادی، بازسازی نظم اجتماعی را در یک افق تمدنی مورد توجه قرار می‌دهد. این امر امکان تحلیل بلندمدت و استراتژیک تحولات نظم اجتماعی را فراهم می‌کند.

(۱۰) تعادل میان ثبات و تغییر:

چارچوب مفهومی بر ضرورت ایجاد تعادل میان حفظ ثبات و ایجاد تغییر در فرآیند بازسازی نظم اجتماعی تأکید دارد. این امر به ویژه در دوران گذار اهمیت می‌یابد.

بر اساس این عناصر، می‌توان مدل مفهومی اولیه زیر را برای تحلیل نظم اجتماعی نوین در اندیشه رهبری و دلالت‌های آن برای گذار از چالش‌های معاصر به سوی تمدن نوین اسلامی پیشنهاد داد.

این چارچوب مفهومی اولیه، ضمن بهره‌گیری از نظریات کلاسیک و معاصر نظم اجتماعی، تلاش دارد ویژگی‌های خاص جامعه ایران و اندیشه رهبری را نیز در نظر بگیرد. این چارچوب می‌تواند به عنوان یک نقطه شروع برای تحلیل عمیق‌تر نظم اجتماعی نوین در اندیشه رهبری و دلالت‌های آن برای گذار از چالش‌های معاصر به کار رود.

در ادامه پژوهش، این چارچوب مفهومی با استفاده از داده‌های تجربی (تحلیل محتوای بیانات و مکتوبات رهبری) مورد آزمون و پالایش قرار خواهد گرفت تا مدل نهایی برای تبیین نظم اجتماعی نوین در اندیشه رهبری استخراج شود.

۲. روش‌شناسی پژوهش

۲-۱. رویکرد و طرح پژوهش

پژوهش حاضر با هدف تحلیل و تبیین نظم اجتماعی نوین در اندیشه رهبری و دلالت‌های آن برای گذار از چالش‌های معاصر به سوی تمدن نوین اسلامی، از رویکرد کیفی با ماهیت تفسیری-انتقادی بهره می‌گیرد. این رویکرد امکان بررسی عمیق و چندلایه مفاهیم و ایده‌های مطرح شده در بیانات و مکتوبات رهبری را فراهم می‌کند و در عین حال، زمینه را برای تحلیل انتقادی دلالت‌های این اندیشه‌ها برای بازسازی نظم اجتماعی فراهم می‌سازد.

طرح پژوهش حاضر ترکیبی از دو راهبرد اصلی است:

۱. تحلیل مضمون: برای شناسایی و استخراج مفاهیم و مضامین کلیدی مرتبط با نظم اجتماعی در اندیشه رهبری.

۲. تحلیل گفتمان انتقادی: برای بررسی عمیق‌تر روابط قدرت، ایدئولوژی و زمینه‌های اجتماعی-سیاسی شکل‌دهنده به گفتمان نظم اجتماعی در اندیشه رهبری.

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه بیانات و مکتوبات رهبر انقلاب اسلامی در بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۱ است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند با حداکثر تنوع انجام می‌شود، با معیارهای انتخاب شامل ارتباط مستقیم با موضوع نظم اجتماعی، پوشش زمانی متوازن، تنوع در قالب‌های بیان و تنوع در مخاطبان. حجم نمونه بر اساس اصل اشباع نظری تعیین می‌شود.

۲-۲. گردآوری و تحلیل داده‌ها

گردآوری داده‌ها از طریق فیش‌برداری دقیق از متون منتخب انجام می‌شود. هر فیش شامل متن اصلی، تاریخ و مناسبت بیان، مخاطبان، کلیدواژه‌های اصلی و یادداشت‌های تحلیلی اولیه پژوهشگر خواهد بود. داده‌های فیش‌برداری شده در نرم‌افزار MAXQDA وارد شده و کدگذاری اولیه بر روی آن‌ها انجام می‌شود.

فرآیند تحلیل داده‌ها در سه مرحله انجام می‌شود:

۱. کدگذاری باز: شناسایی و کدگذاری مفاهیم کلیدی مرتبط با نظم اجتماعی در متون.

۲. کدگذاری محوری: دسته‌بندی کدهای اولیه در قالب مقوله‌های اصلی و مشخص کردن روابط میان مقوله‌ها.

۳. ترسیم و تحلیل شبکه مضامین: یکپارچه‌سازی مقوله‌های اصلی و استخراج الگوی نهایی نظم اجتماعی در اندیشه رهبری.

۲-۳. اعتبارسنجی یافته‌ها

برای اطمینان از اعتبار و روایی یافته‌ها، از سه روش استفاده می‌شود:

۱. سه‌سویه‌سازی داده‌ها: استفاده از منابع مختلف (سخنرانی‌ها، پیام‌ها، مصاحبه‌ها و مکتوبات) برای تأیید یافته‌ها.
 ۲. بازبینی توسط همتایان: ارزیابی یافته‌های پژوهش توسط دو پژوهشگر متخصص در حوزه اندیشه سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی.
 ۳. کنترل اعضا: به اشتراک گذاری یافته‌های نهایی با دو نفر از صاحب‌نظران نزدیک به اندیشه رهبری و لحاظ کردن نظرات آن‌ها در پالایش نهایی الگوی استخراج‌شده.
- این روش‌شناسی امکان بررسی دقیق و عمیق اندیشه رهبری درباره نظم اجتماعی نوین را فراهم می‌کند و در عین حال، با بهره‌گیری از روش‌های اعتبارسنجی، اطمینان از صحت و دقت یافته‌ها را تضمین می‌نماید.

۳. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاضر حاصل تحلیل عمیق و دقیق بیانات رهبر انقلاب اسلامی در خصوص نظم اجتماعی است. این تحلیل در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و ترسیم و تحلیل شبکه مضامین انجام شده است. در این بخش، ابتدا نتایج حاصل از کدگذاری باز ارائه می‌شود که زمینه را برای تحلیل‌های عمیق‌تر در مراحل بعدی فراهم می‌کند. سپس در بخش‌های بعدی، نتایج کدگذاری محوری و شبکه مضامین ارائه خواهد شد که منجر به استخراج الگوی نهایی نظم اجتماعی نوین در اندیشه رهبری می‌شود.

۳-۱. مرحله کدگذاری باز

در مرحله کدگذاری باز، تمامی بیانات، سخنرانی‌ها، ابلاغیه‌ها و پیام‌های رهبر انقلاب از ابتدای دوره رهبری ایشان در سال ۱۳۶۸ تا مردادماه ۱۴۰۳ مورد بررسی قرار گرفت. این داده‌ها از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) استخراج شدند.^۱ در این پایگاه، بیانات رهبری در قالب فیش‌های موضوعی دسته‌بندی شده‌اند. در این پژوهش، ۲۷ دسته موضوعی مرتبط با نظم اجتماعی شناسایی و در قالب ۲۳ عنوان (با ترکیب برخی عناوین مشابه) مورد بررسی قرار گرفتند. در مجموع، ۲۵۶۰ فیش مورد مطالعه دقیق قرار گرفت. جدول ۲، توزیع فیش‌های بررسی‌شده و مضامین پایه استخراج‌شده را در هر حوزه موضوعی نشان می‌دهد.

^۱. <https://farsi.khamenei.ir/keyword-index>

جدول ۲. حوزه‌های موضوعی فیش‌ها و تعداد فیش‌های بررسی‌شده و تعداد مضامین پایه استخراج‌شده

| تعداد مضامین پایه استخراج‌شده | تعداد فیش‌های بررسی‌شده | حوزه‌های موضوعی فیش‌ها |
|-------------------------------|-------------------------|---------------------------------|
| ۱۰ | ۲۸ | آرامش سیاسی |
| ۱۰ | ۴۹ | آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی |
| ۱۰ | ۱۵۵ | اتحاد ملی و انسجام اسلامی |
| ۱۶ | ۴۳ | اتقان کاری |
| ۱۹ | ۳۴۰ | احساس مسئولیت |
| ۱۵ | ۱۰۴ | اختلاف‌افکنی |
| ۱۹ | ۱۵۰ | ارزش‌های انقلاب اسلامی |
| ۲۰ | ۶۸ | اخلاق اجتماعی |
| ۱۷ | ۳۰ | استعمار نو + فرانو |
| ۹ | ۱۰۱ | استقلال اقتصادی + علمی + فرهنگی |
| ۹ | ۲۶ | اسلام سیاسی |
| ۱۶ | ۵۷ | اصل ۴۴ قانون اساسی |
| ۱۵ | ۳۷ | اصلاح‌طلبی + اصول‌گرایی |
| ۱۸ | ۲۷ | پاسخگویی مسئولان |
| ۱۵ | ۲۵۹ | جامعه اسلامی |
| ۱۴ | ۴۸۵ | حضور مردم در صحنه |
| ۱۵ | ۹۲ | سبک زندگی |
| ۱۲ | ۷۸ | ظرفیت درون‌زا |
| ۱۵ | ۱۶۶ | عدالت اجتماعی |
| ۱۴ | ۸۶ | نقاط ضعف جمهوری اسلامی |
| ۱۰ | ۷۶ | نقاط قوت جمهوری اسلامی |
| ۱۰ | ۵۱ | قانون‌گرایی |
| ۱۲ | ۵۲ | قانون‌شکنی |
| ۳۲۰ | ۲۵۶۰ | مجموع |

در فرآیند کدگذاری باز، واحد تحلیل "عبارت" در نظر گرفته شد. این رویکرد به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا فحوای کلام را در نظر بگیرد و مفاهیم کلیدی را از دل یک کلمه، جمله یا پاراگراف استخراج کند. با استفاده از این روش، گزاره‌های مرتبط با موضوع نظم اجتماعی از متن فیش‌ها استخراج و علامت‌گذاری شدند.

برای هر گزاره استخراج شده، یک مضمون پایه تعیین شد که بیانگر مفهوم اصلی آن گزاره در ارتباط با نظم اجتماعی است. در مجموع، ۳۲۰ مضمون پایه از بررسی ۲۵۶۰ فیش استخراج شد. جدول ۳، نمونه‌ای از این فرآیند کدگذاری را نشان می‌دهد.

جدول ۳. نمونه کدگذاری باز مضامین پایه بیانات رهبری در ارتباط با نظم اجتماعی

| گزاره | مضمون پایه | زمینه ارائه بیانات |
|---|--|--|
| یکی از مهم‌ترین آفتهای همه‌ی انقلابها ارتجاع است. ارتجاع یعنی چه؟ یعنی این حرکتی که انقلاب شروع کرده بود و ملت داشتند در این مسیر با نیروی انقلابی و با سرعت حرکت میکردند، در یک جاهایی سست بشوند، بعد متوقف بشوند، بعد برگردند | خطر بازگشت از اصول انقلاب و تأثیر آن بر نظم اجتماعی | دیدار مردم آذربایجان شرقی (۲۹/۱۱/۱۳۹۶) |
| اگر به جای تکیه‌ی به مردم به خارجی‌ها تکیه کردیم، امیدمان را به بیگانه‌ها بستیم، این حرکت در سمت ارتجاع است | اهمیت اتکا به مردم در حفظ استقلال و نظم اجتماعی | دیدار مردم آذربایجان شرقی (۲۹/۱۱/۱۳۹۶) |
| آنچه ما را قوی میکند، تقواست؛ آنچه ما را آسیب‌ناپذیر میکند، تقواست؛ آنچه ما را به ادامه‌ی این راه تا رسیدن به اهداف عالی‌ه امیدوار میکند، تقواست. | نقش تقوا در استحکام نظم اجتماعی | خطبه‌های نماز جمعه (۱۴/۰۳/۱۳۸۹) |
| با بی‌بصیرتی، با نشناختن فضا، با تشخیص ندادن حق و باطل، کرده‌های خودتان را، گذشته‌ی خودتان را باطل کردید. | اهمیت بصیرت در حفظ دستاوردهای انقلاب و نظم اجتماعی | دیدار جمعی از پرستاران (۰۱/۰۲/۱۳۸۹) |
| دشمنان دارند کار میکنند، آن وقت میگویند ما هیچ کاری نمیکنیم! ما هیچ اقدامی نمیکنیم! دستورالعمل‌هایشان برای گروه‌های غافل و نادان اغتشاشگر توی رسانه‌های خودشان به طور علنی دارد پخش میشود | لزوم هوشیاری نسبت به توطئه‌های دشمن برای حفظ نظم داخلی | دیدار دانشجویان و نخبگان علمی (۰۴/۰۶/۱۳۸۸) |
| ظرفیت این نظام، نظامی که برخاسته‌ی از این حقیقت است، بسیار والا و فراتر از آن چیزی است که دیگران از بیرون صحنه نگاه میکنند و تحلیل میکنند و درباره‌ی این نظام سخن میگویند. | ظرفیت بالای نظام انقلابی در ایجاد نظم اجتماعی پایدار | مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری (۱۲/۰۵/۱۳۸۸) |

مضامین پایه استخراج شده، طیف گسترده‌ای از موضوعات مرتبط با نظم اجتماعی را پوشش می‌دهند. برخی از محورهای اصلی این مضامین عبارتند از حفظ آرامش و ثبات سیاسی، قانون‌مداری، پایبندی به اصول انقلابی، عدالت اجتماعی، مشارکت مردمی، ارزش‌های اخلاقی و معنوی، هوشیاری در برابر تهدیدات، استقلال اقتصادی و فرهنگی، و بصیرت اجتماعی.

تحلیل این مضامین نشان می‌دهد که در اندیشه رهبری، نظم اجتماعی مفهومی چندبعدی و پویاست که ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. همچنین، تأکید بر نقش توأمان مردم و حاکمیت در ایجاد و حفظ نظم اجتماعی، از ویژگی‌های بارز این دیدگاه است.

۲-۳. مرحله کدگذاری محوری

در مرحله کدگذاری محوری، ۳۲۰ مضمون پایه استخراج شده مورد بررسی عمیق‌تر قرار گرفتند. هدف این مرحله، کشف روابط پنهان میان مضامین و دستیابی به سطوح بالاتر انتزاع بود. این فرآیند به ما امکان داد تا ساختار کلی نظم اجتماعی در اندیشه رهبری را با دقت بیشتری ترسیم کنیم. پس از چندین مرحله تحلیل و بازنگری، ۲۲ مضمون سازمان‌دهنده و در نهایت ۸ مضمون فراگیر به عنوان ابعاد اصلی نظم اجتماعی در اندیشه رهبری شناسایی شدند:

۱. استحکام درونی و پایداری نظام
۲. اخلاق‌مداری و معنویت‌گرایی جامعه
۳. مشارکت فعال و مسئولانه مردمی
۴. خودکفایی و استقلال همه‌جانبه
۵. عدالت‌محوری و رفع تبعیض
۶. پویایی و تحول‌پذیری سازنده
۷. شفافیت و پاسخگویی حاکمیتی
۸. هوشیاری و مقاومت در برابر تهدیدات

این مضامین فراگیر، نمایانگر نگاه جامع و چندبعدی رهبری به مفهوم نظم اجتماعی است. نکته قابل توجه، ترکیب هوشمندانه عناصر ثبات (مانند استحکام درونی) با عناصر پویایی (مانند تحول‌پذیری سازنده) است که نشان از درک عمیق ایشان از ماهیت پویای جوامع معاصر دارد.

همچنین، تأکید همزمان بر مشارکت مردمی و مسئولیت حاکمیتی، نشان‌دهنده رویکرد متوازن در توزیع قدرت و مسئولیت در جامعه است. این نگاه، ضمن حفظ اقتدار نظام، زمینه را برای مشارکت فعال شهروندان در فرآیندهای اجتماعی فراهم می‌کند.

در ادامه، با ارائه جداول تفصیلی شماره ۴ تا ۱۱ به تفکیک هر یک از این مضامین فراگیر، ساختار سلسله‌مراتبی مضامین از پایه تا فراگیر را نشان خواهیم داد. این جداول، ضمن ارائه تصویری جامع از اندیشه رهبری درباره نظم اجتماعی، امکان تحلیل دقیق‌تر روابط میان مفاهیم و استخراج الگوهای نظری را فراهم می‌کنند.

جدول ۴. ساخت مضمون فراگیر استحکام درونی و پایداری نظام

| مضمون فراگیر | مضمون سازمان‌دهنده | مضامین پایه |
|--|--------------------|---|
| حفظ امنیت و آرامش اجتماعی | | اهمیت حفظ آرامش در فرآیندهای سیاسی |
| | | اهمیت امنیت روانی و اخلاقی در جامعه |
| | | ضرورت آرامش برای عملکرد بهینه نظام |
| | | نقش متقابل مردم و نظام در ایجاد ثبات اجتماعی |
| | | ارتباط امنیت و ثبات سیاسی با پیشرفت ملی |
| | | لزوم توازن بین نشاط سیاسی و آرامش اجتماعی |
| | | مسئولیت اجتماعی در حفظ آرامش سیاسی |
| | | لزوم هوشیاری در عین حفظ آرامش اجتماعی |
| | | اهمیت حفظ امنیت و آرامش برای پیشرفت جامعه |
| | | خطر بازگشت از اصول انقلاب و تأثیر آن بر نظم اجتماعی |
| استحکام درونی و پایداری نظام | | اهمیت حفظ امنیت و آرامش در فرآیندهای سیاسی برای نظم اجتماعی |
| | | حفظ امنیت و آرامش در فرآیندهای سیاسی |
| | | نقش قانون‌مداری در ایجاد نظم اجتماعی |
| | | سوء استفاده از تعارض قوانین توسط قانون‌دانان |
| | | قانون‌شکن |
| | | ضرورت برخورد قاطع با قانون‌شکنی برای حفظ نظم اجتماعی |
| | | لزوم مقابله با قانون‌شکنی برای حفظ نظم اجتماعی |
| | | تأثیر رعایت قانون یا قانون‌شکنی بر عزت نظام |
| | | ضرورت مبارزه با فساد و قانون‌شکنی در دستگاه‌های حکومتی |
| | | جرم بودن قانون‌شکنی حتی با نیت مقابله با منکر |
| اهمیت قانون‌مداری و مبارزه با قانون‌شکنی | | ممنوعیت استفاده از آزادی برای قانون‌شکنی و تضعیف نظام |
| | | هشدار نسبت به قانون‌شکنی با تحریک احساسات |
| | | تفاوت بین خشونت قانونی و غیرقانونی در نظم اجتماعی |
| | | لزوم پایبندی به قانون در اجرای وظایف |
| | | هشدار نسبت به ایجاد مصونیت در برابر قانون |
| | | هشدار نسبت به حيله‌های قانونی و دور زدن قانون |
| | | تأثیر منفی اشرافی‌گری بر عدالت اجتماعی |
| | | اهمیت اتکا به مردم در حفظ استقلال و نظم اجتماعی |
| | | پایبندی به اصول و ارزش‌های |
| | | انقلاب |

| | |
|---|------------------------------------|
| شفافیت و عینیت ارزش‌های انقلابی | |
| نقش رهبری در ایجاد انسجام اجتماعی | |
| هدف‌گذاری نظام آموزشی برای تربیت نسل انقلابی | |
| نقش بسیج در حفظ و گسترش ارزش‌های انقلابی | |
| ضرورت تلفیق ارزش‌های انقلابی در محتوای آموزشی | |
| وجود پایگاه اجتماعی قوی برای ارزش‌های انقلابی | |
| تأثیر الگوی انقلاب اسلامی بر تحولات جهانی | |
| لزوم پایبندی به اصول و ارزش‌ها در سیاست خارجی | |
| هشدار نسبت به نفوذ عناصر ضد ارزشی در ساختار قدرت | |
| هشیاری نسبت به تلاش‌ها برای تغییر ارزش‌های انقلابی | |
| اولویت‌های جهت‌دهی به جریان‌ات سیاسی | |
| تبیین مؤلفه‌های اصلی ارزش‌های انقلابی | |
| اقبال عمومی به ارزش‌های انقلابی | |
| چشم‌انداز جامعه ایرانی مبتنی بر ارزش‌های بومی و انقلابی | |
| نقش ارزش‌های انقلابی در تحقق حقوق ملت | |
| نقش هنر در ترویج ارزش‌های اجتماعی | |
| ضرورت تقویت مستمر وحدت ملی و اتحاد مردم و مسئولین | |
| تفکیک اختلاف نظر مشروع از نفرت‌پرانی مخرب | |
| تنوع قومی و زبانی به عنوان فرصت برای انسجام ملی | |
| همکاری و هم‌افزایی قوای کشور، عامل تقویت اتحاد ملی | |
| نقش ایمان و دین در تقویت اتحاد و انسجام ملی | |
| اهمیت الگوسازی مناطق دارای تنوع مذهبی برای وحدت ملی | تقویت وحدت و انسجام ملی |
| اهمیت وحدت جهان اسلام در ایجاد قدرت بین‌المللی | |
| تأکید قرآن بر وحدت و نهی از تفرقه | |
| تقویت همبستگی اجتماعی از طریق کمک متقابل | |
| تحکیم نظم خانوادگی بر اساس اصول اخلاقی اسلامی | |
| نقش ایمان در استحکام درونی نظام اجتماعی | |
| حفظ هویت نظام به عنوان عامل ثبات اجتماعی | |
| استحکام درونی جامعه بر اساس ایمان | تقویت قدرت و نفوذ منطقه‌ای و جهانی |
| مقاومت در برابر فشارهای روانی دشمن | |
| افزایش نفوذ و اثرگذاری منطقه‌ای و جهانی | |

| استحکام نظام در مواجهه با دشمنی‌ها توانایی غلبه بر تهدیدها و حفظ ثبات اجتماعی | |
|--|---|
| جدول ۵. ساخت مضمون فراگیر اخلاق‌مداری و معنویت‌گرایی جامعه | |
| مضمون فراگیر | مضمون سازمان‌دهنده |
| | مضامین پایه |
| | نقش تقوا در استحکام نظم اجتماعی |
| | اهمیت حفظ سلامت معنوی جامعه در مقابله با آسیب‌های اجتماعی |
| | اولویت‌دهی به منافع جمعی بر منافع فردی |
| | تأکید بر رشد همزمان اخلاق فردی و اجتماعی |
| | ضرورت ترویج اخلاق اجتماعی برای تقویت همبستگی |
| | ترویج ارزش‌های اخلاقی مثبت و نهی از رذایل اخلاقی |
| | اولویت‌دهی به اصلاح اخلاقی جامعه |
| | پرهیز از ایجاد فضای بدبینی در جامعه |
| تقویت معنویت و اخلاق در جامعه | تعریف مسیر صحیح پیشرفت جامعه بر اساس ارزش‌های اخلاقی و دینی |
| | ضرورت تداوم تحول اجتماعی پس از انقلاب |
| | لزوم نوآوری مداوم در چارچوب ارزش‌های اصیل |
| | ضرورت تحول مستمر در اخلاق عمومی جامعه |
| | اهمیت انتقال آرامش از نخبگان به عموم جامعه |
| | مسئولیت جمعی در قبال پیشرفت اخلاقی جامعه |
| | نقش عبادات در ایجاد انضباط اجتماعی |
| | اهمیت وجدان کاری و نظم در پیشرفت جامعه |
| | لزوم انطباق سبک زندگی با ارزش‌های اسلامی برای نظم اجتماعی |
| | الگوگیری از سبک زندگی شهدا برای ارتقای اخلاق اجتماعی |
| ترویج و حفظ سبک زندگی اسلامی-ایرانی | اهمیت تقویت هویت ملی و سبک زندگی اسلامی-ایرانی در نظام آموزشی |
| | ارائه الگوی جدید نظم اجتماعی در قالب جمهوری اسلامی |
| | هشدار نسبت به تضعیف معنویت در جامعه توسط سبک زندگی غربی |
| | نقش مناسب دینی در شکل‌دهی به سبک زندگی اسلامی |
| | اهمیت استقلال در سبک زندگی برای قدرت ملی |

| | |
|--|--------------------------|
| ضرورت تبیین ابعاد مختلف سبک زندگی اسلامی | |
| لزوم پاسخگویی به سؤالات جوانان درباره سبک زندگی | |
| نقش رسانه ملی در ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی | |
| اهمیت سبک زندگی مردمی برای مسئولان | |
| هشدار نسبت به تقلید از سبک زندگی غربی | |
| تأکید بر خودکفایی فرهنگی در سبک زندگی | |
| نقش خانواده در ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی | |
| اهمیت حاکمیت اسلامی در ایجاد نظم اجتماعی مطلوب | |
| نقش نهادهای مذهبی در تقویت نظم اجتماعی | |
| تأثیر مناسک دینی بر تقویت اراده جمعی و نظم اجتماعی | |
| نقش ایمان در استحکام درونی نظام اجتماعی | |
| اهمیت عملکرد قوه قضائیه در نظم اجتماعی | |
| نقش امر به معروف و نهی از منکر در حفظ نظم اجتماعی | |
| اهمیت حفظ یاد شهدا در انسجام اجتماعی | |
| نقش آموزه‌های قرآنی در شکل‌دهی نظم اجتماعی | ایجاد جامعه اسلامی مطلوب |
| تأثیر باور به منجی در ایجاد امید و انسجام اجتماعی | |
| تلفیق مردم‌سالاری و شریعت در نظم اجتماعی اسلامی | |
| جامعیت اسلام در ایجاد نظم اجتماعی پیشرفته | |
| هدف‌گذاری ایجاد جامعه نمونه اسلامی | |
| ویژگی‌های جامعه اسلامی مطلوب | |
| نقش اخلاق اسلامی در تنظیم روابط اجتماعی | |
| اهمیت عدالت در ساختار جامعه اسلامی | |

جدول ۶. ساخت مضمون فراگیر مشارکت فعال و مسئولانه مردمی

| مضمون فراگیر | مضمون سازمان‌دهنده | مضامین پایه |
|------------------------------|--------------------------------------|--|
| مشارکت فعال و مسئولانه مردمی | مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مشارکت مردمی | امانت‌داری و انضباط کاری به عنوان عوامل نظم اجتماعی |
| | | همبستگی اجتماعی فراملی در مواجهه با بحران‌ها |
| | | گسترده‌ی زمینه‌های مشارکت اجتماعی |
| | | مسئولیت اجتماعی همگانی فارغ از جنسیت |
| | | نقش مشارکت مردمی و قانون‌مداری در حفظ نظم اجتماعی |
| | | مسئولیت مشترک مسئولان و جوانان در مقابله با تهدیدات فرهنگی |

| | |
|--|---|
| اهمیت بصیرت در جهت‌دهی صحیح به احساس مسئولیت اجتماعی | |
| مسئولیت‌پذیری به عنوان پایه نظم اجتماعی | |
| مسئولیت اجتماعی در قبال محیط زیست | |
| مسئولیت جمعی در حفظ منابع عمومی | |
| مسئولیت ملی در قبال نسل جوان | |
| نقش تربیت دینی در حفظ نظم اجتماعی و امنیت ملی | |
| مسئولیت‌پذیری اجتماعی به عنوان یک ارزش ملی | |
| وجدان کاری به عنوان عامل نظم‌دهنده در جامعه | |
| تأثیر فرهنگ مسئولیت‌پذیری بر نظم اجتماعی | |
| عناصر فرهنگی مؤثر در نظم اجتماعی | |
| تأثیرگذاری فردی در جهت بهبود محیط اجتماعی | |
| انضباط اجتماعی و مسئولیت‌پذیری به عنوان عوامل مقابله با فساد | |
| اهمیت آگاهی و هوشیاری اجتماعی در حفظ نظم و امنیت | |
| اهمیت مشارکت مردمی در تقویت نظم اجتماعی | |
| نقش حضور مردم در حفظ استقلال و پیشرفت کشور | |
| تأثیر حضور مردم در غلبه بر چالش‌های نظام سیاسی | |
| ارتباط قدرت ملی و امنیت ملی در نظم اجتماعی | |
| مقاومت مردمی در برابر فساد و حفظ ارزش‌های دینی | |
| روحیه جهادی مردم در پیشبرد اهداف اجتماعی | |
| مسئولیت‌پذیری اجتماعی در حفظ نظم | |
| نقش مشارکت مردمی در حفظ نظام | |
| اهمیت حضور مردم در انتخابات | |
| تأثیر حضور مردم در خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان | |
| نقش مردم در پیشبرد اهداف انقلاب | اهمیت حضور مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی |
| اهمیت آگاهی و بصیرت مردمی در مشارکت سیاسی | |
| تأثیر حضور مردم در ایجاد اقتدار ملی | |
| نقش مردم در حفظ استقلال کشور | |

| | |
|---|------------------------------------|
| اهمیت مشارکت مردمی در توسعه اقتصادی | |
| نقش مردم در ایجاد امنیت و ثبات اجتماعی | |
| تأثیر حضور مردم در تقویت همبستگی ملی | |
| اهمیت مشارکت مردمی در عرصه‌های فرهنگی | |
| اهمیت تربیت نسل جوان انقلابی | |
| نقش جوانان در نوآوری و پیشرفت علمی | |
| اهمیت مشارکت جوانان در عرصه‌های مدیریتی | |
| نقش جوانان در حفظ و گسترش ارزش‌های انقلابی | |
| اهمیت توجه به مطالبات و نیازهای جوانان | |
| نقش جوانان در توسعه اقتصادی و کارآفرینی | توجه به نقش جوانان در پیشرفت جامعه |
| اهمیت تقویت روحیه خودباوری در جوانان | |
| نقش جوانان در دفاع از کشور و حفظ امنیت | |
| اهمیت حضور جوانان در عرصه‌های فرهنگی و هنری | |
| نقش جوانان در ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی | |

جدول ۷. ساخت مضمون فراگیر خودکفایی و استقلال همه‌جانبه

| مضمون فراگیر | مضمون سازمان‌دهنده | مضامین پایه |
|------------------------------|---------------------------------|---|
| خودکفایی و استقلال همه‌جانبه | ظرفیت‌سازی و توانمندی‌های داخلی | ظرفیت بالای نظام انقلابی در ایجاد نظم اجتماعی پایدار |
| | | تأثیر جهش تولید بر بهبود شاخص‌های اقتصادی و نظم اجتماعی |
| | | نقش استقلال اقتصادی در تقویت هویت ملی و انسجام اجتماعی |
| | | ضرورت اتکا به توان داخلی برای حفظ استقلال و نظم اقتصادی |
| | | اهمیت استقلال فرهنگی و سبک زندگی بومی در شکل‌دهی به نظم اجتماعی |
| | | نقش زنان در حفظ هویت فرهنگی و تأثیر آن بر نظم اجتماعی |
| | | ارتباط متقابل تولید ملی، استقلال اقتصادی و سیاسی در نظم اجتماعی |
| | | تغییر نگرش جامعه از وابستگی به خودباوری |
| | | ضرورت برنامه‌ریزی اقتصادی مبتنی بر ظرفیت‌های داخلی |
| | | اتکا به |

| | |
|---|----------------------------------|
| راهکار مقابله با تحریم‌ها از طریق اتکا به توانمندی‌های داخلی | |
| شناسایی عیوب ساختاری اقتصاد و لزوم اصلاح آن‌ها | |
| ضرورت شناسایی و بهره‌برداری از ظرفیت‌های ملی | |
| اهمیت درون‌زایی اقتصادی در تولید ثروت ملی | |
| لزوم تقویت عناصر قدرت داخلی در مقابل فشارهای خارجی | |
| اهمیت توجه به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های کشور در مدیریت کلان | |
| لزوم اتکا به ظرفیت‌های داخلی در برنامه‌های توسعه کشور | |
| غناى منابع انسانی و طبیعی کشور به عنوان پشتوانه توسعه | |
| اهمیت تولید علم به عنوان سرمایه پایدار ملی | |
| اهمیت ظرفیت ملی در حفظ دستاوردهای انقلاب | |
| اهمیت سرمایه انسانی در ساخت تمدن | |
| ضرورت هویت‌سازی ملی-دینی | |
| اتقان کار به عنوان عامل انسجام اجتماعی | |
| ارزش‌گذاری اجتماعی کار با کیفیت | |
| اهمیت صحت عمل در حفظ اعتبار ملی | |
| نقش حمایت از تولید ملی در نظم اقتصادی | |
| افزایش بهره‌وری به عنوان عامل تقویت نظم اقتصادی | |
| ترویج مصرف کالای داخلی به عنوان عامل انسجام اقتصادی | |
| مشارکت عمومی در تقویت اقتصاد به عنوان عامل نظم اجتماعی | |
| تبادل بین حقوق کارگر و سرمایه‌گذار در نظم اجتماعی | ارتقای کیفیت کار و تولید ملی |
| اهمیت گفتمان‌سازی در رفع آسیب‌های اجتماعی | |
| اتقان احکام قضایی به عنوان عامل اعتماد اجتماعی | |
| محکم‌کاری به عنوان ارزش اجتماعی | |
| ارتقای کیفیت تولیدات داخلی به عنوان عامل اعتبار ملی | |
| کیفیت تولید داخلی به عنوان عامل رقابت‌پذیری اقتصادی | |
| تبدیل وجدان کاری به فرهنگ عمومی | |
| آسیب‌شناسی رفتارهای سودجویانه و تأثیر آن بر نظم اقتصادی و اجتماعی | |
| نقش نظارتی دولت در اقتصاد | |
| سیاست‌گذاری هدفمند برای آینده کشور | تأکید بر استقلال سیاسی و اقتصادی |
| مشارکت مردمی در تحقق اهداف ملی | |

| |
|---|
| توانمندسازی بخش خصوصی با نظارت دولتی |
| ضرورت نظارت هوشمند بر فعالیتهای اقتصادی |
| اهمیت نظارت مستمر بر اجرای سیاستها |
| هشدار نسبت به انحراف در اجرای سیاستها |
| هشیاری در برابر سوءاستفاده از اصلاحات |
| هشدار نسبت به سوءاستفاده از قوانین |
| اهمیت اعتماد به گزارشهای رسمی |
| لزوم نگاه منصفانه به عملکرد مسئولین |
| مسئولیت پذیری فعالان اقتصادی در اجرای سیاستها |
| جذب سرمایه و مدیریت مردمی در اقتصاد |
| ضرورت مشارکت بخش خصوصی در مدیریت اقتصادی |
| تداوم نقش سیاست گذاری و نظارتی دولت |
| تعادل بین مشارکت مردمی و هدایت دولتی |
| اهمیت استقلال در تصمیم گیری های کلان کشور |

جدول ۸. ساخت مضمون فراگیر عدالت محوری و رفع تبعیض

| مضمون فراگیر | مضمون سازمان دهنده | مضامین پایه |
|---|------------------------------|--|
| عدالت محوری و رفع تبعیض | تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی | لزوم توجه به کیفیت آموزش در مدارس دولتی برای تحقق عدالت آموزشی |
| | | اهمیت سیاستهای اصل ۴۴ در تحقق عدالت اجتماعی |
| | | عدالت اجتماعی به عنوان یکی از اهداف اصلی انقلاب اسلامی |
| | | لزوم توجه به توزیع عادلانه ثروت و رفع محرومیت |
| | | پایبندی مردم به آرمانهای انقلاب از جمله عدالت اجتماعی |
| | | محوریت عدالت در حکومت اسلامی |
| | | ضرورت پیوست عدالت در تصمیمات و مصوبات دولتی |
| | | لزوم کاهش فاصله طبقاتی و توزیع عادلانه امکانات |
| | | تعهد نامزدهای انتخاباتی به تحقق عدالت اجتماعی |
| | | عدالت اجتماعی به عنوان آرمان اساسی نظام جمهوری اسلامی |
| | | ارتباط عملکرد انقلابی با کاهش فقر و شکاف طبقاتی |
| | | ضرورت از بین بردن شکاف طبقاتی و استقرار عدالت اقتصادی |
| لزوم همراهی رونق اقتصادی با عدالت اجتماعی | | |
| هدف گذاری رونق اقتصادی همراه با عدالت اجتماعی | | |

| | |
|---|--------------------------------|
| تفاوت اساسی نظام اسلامی با نظام سرمایه‌داری در محوریت عدالت اجتماعی | |
| مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی برای ایجاد نظم اجتماعی | |
| لزوم توجه به مناطق محروم در برنامه‌های توسعه | مبارزه با فقر، محرومیت و توسعه |
| اهمیت توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌ها در سراسر کشور | متوازن |

جدول ۹. ساخت مضمون فراگیر پویایی و تحول‌پذیری سازنده

| مضمون فراگیر | مضمون سازمان‌دهنده | مضامین پایه |
|--|------------------------------|---|
| پویایی و تحول‌پذیری سازنده | اصلاح مداوم و مبارزه با فساد | ضرورت اصلاحات مداوم برای جلوگیری از نابسامانی‌های اجتماعی |
| | | خطر جدایی مسئولین از مردم و ارزش‌ها در تضعیف نظم اجتماعی |
| | | پذیرش مسئولیت مسئولین در عقب‌ماندگی‌ها |
| | | ارتباط عملکرد انقلابی با پیشرفت و عقب‌ماندگی |
| | | وجود مشکلات معیشتی و شکاف طبقاتی |
| | | لزوم توجه به ضعف‌های داخلی در کنار تهدیدات خارجی |
| | | اذعان به وجود ضعف‌ها و نارسایی‌های داخلی |
| | | ضرورت حل مشکلات داخلی برای مقابله با تهدیدات خارجی |
| | | لزوم تلاش جمعی برای رفع مشکلات |
| | | اهمیت نگاه نقادانه دانشجویان به مسائل کشور |
| | | ضرورت پایداری بر اصول و ارزش‌های بنیادین جامعه |
| | | اهمیت استقامت بر اهداف اصلی نظام اجتماعی |
| | | ضرورت اصلاحات مداوم در نظام اجتماعی |
| | | لزوم شناسایی و اصلاح نقاط ضعف در نظام اجتماعی |
| اهمیت نقدپذیری در ساختارهای اجتماعی | | |
| تعالل بین اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی | | ضرورت نقد و اصلاح مستمر در تمامی سطوح اجتماعی |
| | | نقش محوری روحانیت در تحولات اجتماعی ایران |
| | | انعطاف‌پذیری همراه با پابندی به اصول در نظام اجتماعی |
| | | اهمیت پابندی به اصول برای حفظ استقلال جامعه |
| | | نقش صراحت و شفافیت در حفظ اصول نظام اجتماعی |
| تعالل بین سنت و نوآوری در پیشرفت جامعه | | |
| اهمیت حفظ هویت ملی در عین پذیرش تغییرات مثبت | | |

جدول ۱۰. ساخت مضمون فراگیر شفافیت و پاسخگویی حاکمیتی

| مضمون فراگیر | مضمون سازمان‌دهنده | مضامین پایه |
|--|--|---|
| شفافیت و پاسخگویی حاکمیتی | پاسخگویی مسئولان و شفافیت | مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی مسئولان |
| | | پاسخگویی مسئولان به مردم در نظام مردم‌سالار |
| | | ضرورت نقدپذیری و پاسخگویی مسئولان |
| | | شفافیت و پاسخگویی در فضای سیاسی کشور |
| | | پیگیری مسائل مردم توسط مسئولان |
| | | اخلاص در مسئولیت‌پذیری مسئولان |
| | | لزوم پاسخگویی مسئولان در حوزه مسئولیت خود |
| | | ریشه اسلامی مفهوم پاسخگویی |
| | | خودارزیایی مسئولان در انجام وظایف |
| | | ابعاد مختلف پاسخگویی مسئولان |
| | ضرورت ارزیابی عملکرد مسئولان | |
| | مدیریت اختلافات و پرهیز از دوقطبی‌سازی | لزوم اصلاح و نقدپذیری تمام دستگاه‌های کشور |
| | | شمول پاسخگویی برای تمام ارکان نظام |
| | | لزوم پاسخگویی دستگاه‌های فرهنگی |
| | | ضرورت گزارش‌دهی مسئولان به مردم |
| | | تناسب پاسخگویی با حوزه اختیارات |
| | | لزوم توجیه منطقی اقدامات مسئولان |
| | | پاسخگویی به عنوان بخش مهم مردم‌سالاری |
| | | اهمیت شفافیت در مبارزه با فساد اداری |
| | | آسیب‌شناسی اختلافات سیاسی در نهادهای قانونی |
| تأثیر منفی اختلافات بر کارآمدی نهادهای حاکمیتی | | |
| تفکیک اختلاف سازنده از اختلاف مخرب | | |
| هشدار نسبت به ایجاد دوقطبی در جامعه | | |
| ضرورت تعادل و تنوع سیاسی در جامعه | | |
| اهمیت پایبندی به اصول قانون اساسی در ساختار حاکمیت | | |
| اهمیت پایبندی به اصول در نظم اجتماعی | | |
| ضرورت تلفیق اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی در نظام اجتماعی | | |
| لزوم اصلاح مداوم روش‌ها در مدیریت اجتماعی | | |
| ارتباط اعتماد اجتماعی با امید به آینده | | |
| ضرورت مدیریت اختلافات برای جلوگیری از تبدیل شدن به گسل‌های اجتماعی | | |

| |
|---|
| نقش امید و وحدت در حفظ انسجام اجتماعی |
| هشدار نسبت به پیامدهای اقدامات وحدت‌شکنانه |
| شناسایی موانع وحدت و همبستگی اجتماعی |
| هشیاری نسبت به راهبردهای دشمن برای ایجاد تفرقه قومی-مذهبی |
| شناسایی راهبردهای دشمن برای ایجاد اختلاف در امت اسلامی |
| ضرورت توجه مسئولان به خدمت به مردم |
| لزوم توجه به کمبودها در کنار ظرفیت‌های موجود |

جدول ۱۱. ساخت مضمون فراگیر هوشیاری و مقاومت در برابر تهدیدات

| مضمون فراگیر | مضمون سازمان‌دهنده | مضامین پایه |
|--|---|---|
| هوشیاری و مقاومت در برابر تهدیدات | هوشیاری و بصیرت در برابر توطئه‌های دشمن | اهمیت بصیرت در حفظ دستاوردهای انقلاب و نظم اجتماعی |
| | | لزوم هوشیاری نسبت به توطئه‌های دشمن برای حفظ نظم داخلی |
| | | نقش استکبار در ایجاد تفرقه و بی‌نظمی در منطقه |
| | | پرهیز از تبدیل انتخابات به عامل انشقاق ملی |
| | | هشیاری نسبت به جنگ روانی دشمن برای ایجاد اختلاف |
| | | شناسایی ابعاد نوین تهدیدات علیه نظم اجتماعی |
| | | هشدار نسبت به راهبردهای دشمن برای تضعیف انسجام ملی |
| | | نقش مناسک جمعی در تقویت هوشیاری اجتماعی |
| | | اهمیت هوشیاری در برابر تهدیدات خارجی برای حفظ نظم اجتماعی |
| | | هوشیاری مردمی در مقابله با فتنه و حفظ نظم اجتماعی |
| | | تلاش دشمنان برای القای سردی مردم نسبت به انقلاب |
| چالش فقدان هویت اسلامی در جوامع مسلمان و تأثیر آن بر نظم اجتماعی | | |
| شناسایی راهبردهای دشمن برای ایجاد اختلاف در امت اسلامی | | |
| هشیاری نسبت به راهبردهای دشمن برای ایجاد تفرقه قومی-مذهبی | | |

هشدار نسبت به تضعیف معنویت در جامعه توسط سبک

زندگی غربی

هشدار نسبت به تقلید از سبک زندگی غربی

هشدار نسبت به انحراف در اجرای سیاست‌ها

هشباری در برابر سوءاستفاده از اصلاحات

هشدار نسبت به سوءاستفاده از قوانین

تناقض ادعای لیبرال دموکراسی با واقعیت استعمار

استفاده ابزاری از ملت‌ها برای منافع اقتصادی قدرت‌های

بزرگ

آسیب‌پذیری جوامع اسلامی در برابر استعمار نوین

ضرورت شناخت دشمن و عزم راسخ برای مقابله با

استعمار

ساختار دوقطبی نظام سلطه در نظم جهانی

تکامل شیوه‌های سلطه در طول تاریخ

تغییر رویکرد استعمار از مستقیم به غیرمستقیم

تلاش برای هویت‌زدایی از جوامع هدف

تقابل استقلال ملی با نظام سلطه

تداوم ماهیت سلطه‌گری در اشکال نوین

تغییر شیوه سلطه از مستقیم به غیرمستقیم

ظهور بیداری اسلامی در مقابل اشکال مختلف سلطه

نقش نخبگان در تسلیم شدن جوامع به استعمار

اهمیت وحدت و استقلال امت اسلامی در مقابله با سلطه

نقش علم بدون ایمان در شکل‌گیری استعمار

ظهور اشکال جدیدتر و پیچیده‌تر سلطه

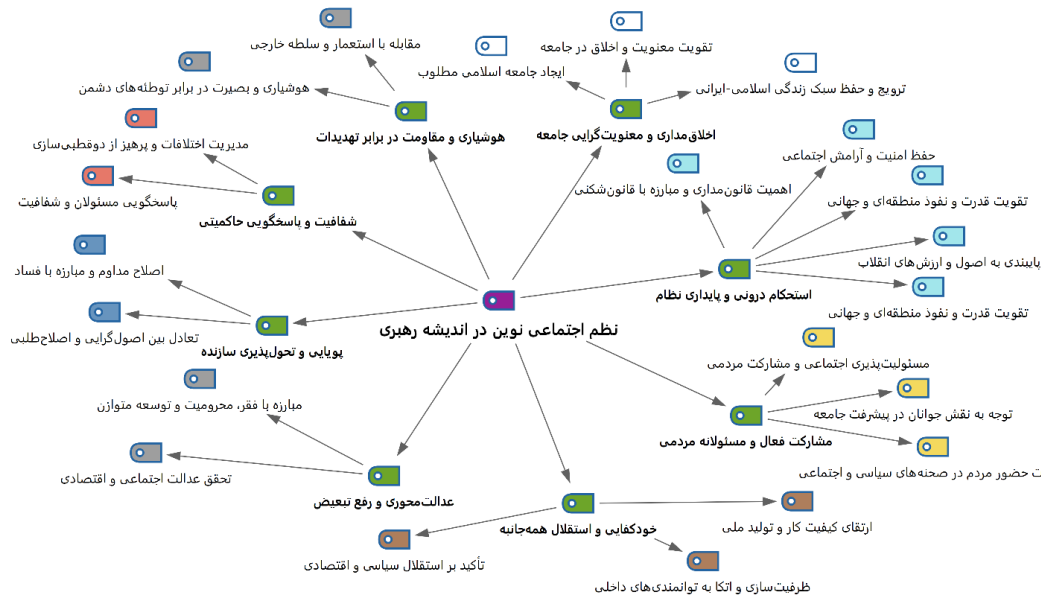
بازگشت به شیوه‌های اولیه استعمار در دوران معاصر

اهمیت خودکفایی در حوزه‌های راهبردی

مقابله با استعمار و سلطه خارجی

۳-۲. ترسیم شبکه مضامین

پس از شناسایی و دسته‌بندی مضامین در مراحل کدگذاری باز و محوری، اکنون به ترسیم شبکه مضامین می‌پردازیم. این مرحله، گام نهایی و حیاتی در فرآیند تحلیل مضمون است که تصویری جامع، یکپارچه و منسجم از نظم اجتماعی نوین در اندیشه رهبری ارائه می‌دهد.



شکل ۱. شبکه مضامین نظم اجتماعی نوین در اندیشه رهبری

تحلیل عمیق شبکه مضامین ترسیم شده در شکل ۱، ابعاد پیچیده و چندلایه نظم اجتماعی نوین در اندیشه رهبری را آشکار می‌سازد:

۱. ساختار سلسله مراتبی و شبکه‌ای همزمان:

شبکه مضامین نشان می‌دهد که نظم اجتماعی مطلوب، در عین برخورداری از ساختاری سلسله مراتبی (از مضامین فراگیر تا پایه)، دارای روابط شبکه‌ای و افقی نیز هست. این امر بیانگر درک عمیق از پیچیدگی‌های نظم اجتماعی در جهان معاصر است که در آن، روابط خطی و ساده جای خود را به تعاملات پیچیده و چندبعدی داده‌اند.

۲. دیالکتیک ثبات و تغییر:

تعامل پویای میان مضامینی چون "استحکام درونی و پایداری نظام" و "پویایی و تحول‌پذیری سازنده" نشان‌دهنده درک ظریف از ضرورت حفظ تعادل میان ثبات و تغییر است. این دیالکتیک، امکان انطباق‌پذیری نظام اجتماعی با شرایط متغیر را فراهم می‌کند، بدون آنکه هویت و اصول بنیادین آن دچار فروپاشی شود.

۳. تلفیق عاملیت و ساختار:

ارتباط متقابل میان "مشارکت فعال و مسئولانه مردمی" و "شفافیت و پاسخگویی حاکمیتی" نشان‌دهنده رویکردی متوازن به مسئله کلاسیک عاملیت-ساختار در علوم اجتماعی است. این نگاه، ضمن به رسمیت شناختن نقش ساختارهای اجتماعی، بر اهمیت کنشگری فعال شهروندان نیز تأکید دارد.

۴. همگرایی ابعاد مادی و معنوی:

پیوند عمیق میان مضامینی چون "عدالت‌محوری و رفع تبعیض" و "اخلاق‌مداری و معنویت‌گرایی جامعه" نشان می‌دهد که در این الگو، پیشرفت مادی و تعالی معنوی نه تنها در تضاد نیستند، بلکه یکدیگر را تقویت می‌کنند. این نگاه، راه حلی برای دوگانه‌های کاذب ماده-معنا در نظریات توسعه ارائه می‌دهد.

۵. رویکرد سیستمی و کل‌نگر:

ارتباطات متقاطع میان تمامی مضامین فراگیر نشان می‌دهد که نظم اجتماعی مطلوب به مثابه یک سیستم پیچیده و یکپارچه دیده می‌شود. برای مثال، ارتباط میان "خودکفایی و استقلال همه‌جانبه" با "هوشیاری و مقاومت در برابر تهدیدات" نشان می‌دهد که استقلال اقتصادی و امنیت ملی در پیوندی ناگسستنی با یکدیگر قرار دارند.

۶. تعادل میان درون‌زایی و تعامل با جهان:

تأکید همزمان بر "خودکفایی و استقلال همه‌جانبه" و "هوشیاری و مقاومت در برابر تهدیدات" نشان‌دهنده رویکردی هوشمندانه به مسئله جهانی شدن است. این نگاه، ضمن تأکید بر حفظ استقلال و هویت ملی، ضرورت تعامل سازنده با جهان را نیز در نظر می‌گیرد.

۷. پویایی درونی و خودتنظیمی:

ارتباط میان "پویایی و تحول‌پذیری سازنده" با "شفافیت و پاسخگویی حاکمیتی" نشان می‌دهد که نظام اجتماعی مطلوب دارای سازوکارهای درونی برای اصلاح و بهبود مداوم خود است. این امر، ظرفیت انطباق‌پذیری و تکامل تدریجی نظام را افزایش می‌دهد.

۸. تعامل سطوح خرد و کلان:

ارتباط میان مضامینی چون "اخلاق‌مداری و معنویت‌گرایی جامعه" (سطح خرد) با "استحکام درونی و پایداری نظام" (سطح کلان) نشان می‌دهد که در این الگو، تغییرات در سطح فردی و اجتماعی با تحولات ساختاری و نهادی در پیوند متقابل قرار دارند.

این شبکه مضامین، علاوه بر ارزش تحلیلی، می‌تواند به عنوان چارچوبی نظری برای طراحی و ارزیابی سیاست‌های اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. برای مثال:

- می‌توان بر اساس این الگو، شاخص‌های ترکیبی برای سنجش میزان تحقق نظم اجتماعی مطلوب تدوین کرد که ابعاد مختلف را به طور همزمان در نظر بگیرند.

- برنامه‌های توسعه‌ای می‌توانند بر اساس این الگو طراحی شوند تا تمامی ابعاد شناسایی شده را به طور متوازن پوشش دهند.

- این الگو می‌تواند چارچوبی برای ارزیابی نقاط قوت و ضعف نظم اجتماعی موجود و شناسایی حوزه‌های نیازمند اصلاح و بهبود ارائه دهد.

در مجموع، شبکه مضامین ترسیم شده نشان می‌دهد که الگوی نظم اجتماعی نوین در اندیشه رهبری، ضمن برخورداری از انسجام درونی و جامعیت، از انعطاف‌پذیری و پویایی لازم برای پاسخگویی به چالش‌های پیچیده و متغیر جامعه معاصر نیز برخوردار است. این الگو، با ارائه نگاهی جامع، متوازن و سیستمی به نظم اجتماعی، می‌تواند چارچوبی نظری برای گذار از چالش‌های کنونی به سوی تمدن نوین اسلامی فراهم آورد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین الگوی نظم اجتماعی نوین در اندیشه رهبری و دلالت‌های آن برای گذار از چالش‌های معاصر به سوی تمدن نوین اسلامی انجام شد. یافته‌های پژوهش، حاصل تحلیل عمیق و چندلایه بیانات و مکتوبات رهبر انقلاب اسلامی طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۱، تصویری جامع و منسجم از نظم اجتماعی مطلوب در این اندیشه را ترسیم می‌کند. در این بخش، ضمن تبیین ابعاد و مؤلفه‌های الگوی استخراج‌شده، به مقایسه تطبیقی آن با نظریات موجود، تحلیل نسبت آن با مفهوم دوران گذار، و بررسی ظرفیت‌های آن برای حل چالش‌های معاصر و حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی می‌پردازیم.

۴-۱. تبیین ابعاد و مؤلفه‌های الگوی استخراج‌شده

الگوی نظم اجتماعی نوین در اندیشه رهبری، که از تحلیل مضمون بیانات ایشان استخراج شده، دارای هشت بعد اصلی است: (۱) استحکام درونی و پایداری نظام، (۲) اخلاق‌مداری و معنویت‌گرایی جامعه، (۳) مشارکت فعال و مسئولانه مردمی، (۴) خودکفایی و استقلال همه‌جانبه، (۵) عدالت‌محوری و رفع تبعیض، (۶) پویایی و تحول‌پذیری سازنده، (۷) شفافیت و پاسخگویی حاکمیتی، و (۸) هوشیاری و مقاومت در برابر تهدیدات.

این الگو از چند ویژگی برجسته برخوردار است که آن را از سایر نظریات نظم اجتماعی متمایز می‌سازد:

۱. جامعیت و تعادل: این الگو با در نظر گرفتن همزمان ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی، تصویری جامع از نظم اجتماعی ارائه می‌دهد. برخلاف نظریات تک‌بعدی که صرفاً بر یک جنبه (مانند اقتصاد یا فرهنگ) تمرکز دارند، این الگو تلاش می‌کند تعادلی میان ابعاد مختلف برقرار کند.

۲. پویایی و انعطاف‌پذیری: تأکید همزمان بر "استحکام درونی" و "پویایی و تحول‌پذیری" نشان می‌دهد که این الگو، نظم اجتماعی را نه امری ایستا، بلکه فرآیندی پویا و در حال تکامل می‌داند. این نگاه با نظریات معاصر نظم اجتماعی، مانند نظریه ساختاربندی گیدنز، همخوانی دارد.

۳. تلفیق عاملیت و ساختار: با تأکید بر "مشارکت فعال مردمی" در کنار "شفافیت و پاسخگویی حاکمیتی"، این الگو تلاش می‌کند دوگانه کلاسیک عاملیت-ساختار را حل کند. این رویکرد، ضمن به رسمیت شناختن نقش ساختارهای اجتماعی، بر اهمیت کنشگری فعال شهروندان نیز تأکید دارد.

۴. بعد اخلاقی و معنوی: برجسته‌سازی "اخلاق‌مداری و معنویت‌گرایی" به عنوان یکی از ابعاد اصلی نظم اجتماعی، این الگو را از نظریات سکولار نظم اجتماعی متمایز می‌سازد. این بعد، که ریشه در اندیشه اسلامی دارد، نقطه تمایز مهمی با نظریات غربی محسوب می‌شود.

۵. استقلال و خودکفایی: تأکید بر "خودکفایی و استقلال همه‌جانبه" نشان می‌دهد که این الگو، نظم اجتماعی را نه در انزوا، بلکه در تعامل انتقادی با نظام جهانی تعریف می‌کند. این رویکرد، راه حلی برای چالش حفظ هویت ملی در عصر جهانی شدن ارائه می‌دهد.

۶. عدالت‌محوری: برجسته‌سازی "عدالت‌محوری و رفع تبعیض" نشان می‌دهد که این الگو، برخلاف برخی نظریات نظم اجتماعی که بر حفظ وضع موجود تأکید دارند، خواهان تغییرات ساختاری برای ایجاد جامعه‌ای عادلانه‌تر است.

۷. هوشیاری و مقاومت: تأکید بر "هوشیاری و مقاومت در برابر تهدیدات" نشان می‌دهد که این الگو، نظم اجتماعی را نه در خلأ، بلکه در بستر واقعیت‌های ژئوپلیتیک و در تعامل با نظام بین‌الملل تعریف می‌کند.

۲-۴. مقایسه تطبیقی الگو با نظریات موجود نظم اجتماعی

مقایسه الگوی استخراج‌شده با نظریات کلاسیک و معاصر نظم اجتماعی، نکات قابل توجهی را آشکار می‌سازد:

۱. نسبت با نظریات کلاسیک:

- همانند دورکیم، این الگو بر اهمیت همبستگی اجتماعی تأکید دارد، اما برخلاف او که همبستگی را صرفاً بر پایه تقسیم کار یا شباهت‌ها تعریف می‌کند، این الگو بر نقش ارزش‌های مشترک و هویت دینی-ملی در ایجاد همبستگی تأکید دارد.

- مشابه وبر، این الگو بر اهمیت مشروعیت در حفظ نظم اجتماعی تأکید دارد، اما منبع مشروعیت را نه صرفاً در اقتدار سنتی، کاریزماتیک یا قانونی، بلکه در ترکیبی از ارزش‌های دینی، مشارکت مردمی و کارآمدی نظام جستجو می‌کند.

- همچون پارسونز، این الگو بر اهمیت نظام ارزشی مشترک در حفظ نظم اجتماعی تأکید دارد، اما برخلاف نگاه محافظه‌کارانه پارسونز، بر ضرورت تحول و پویایی مداوم نیز اصرار می‌ورزد.

۲. نسبت با نظریات معاصر:

- همسو با نظریه ساختاربندهی گیدنز، این الگو بر تعامل پویای میان ساختار و عاملیت تأکید دارد، اما برخلاف گیدنز که عمدتاً بر سطح خرد تمرکز دارد، این الگو پیوندی میان سطوح خرد و کلان برقرار می‌کند.

- مشابه نظریه کنش ارتباطی هابرماس، این الگو بر اهمیت گفتگو و تفاهم در شکل‌گیری نظم اجتماعی تأکید دارد، اما برخلاف هابرماس که بر عقلانیت ارتباطی تمرکز دارد، این الگو نقش مهمی برای ارزش‌های دینی و معنوی قائل است.

- همچون بوردیو، این الگو بر نقش سرمایه‌های مختلف (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی) در شکل‌دهی به نظم اجتماعی تأکید دارد، اما برخلاف نگاه انتقادی بوردیو، بر امکان تغییر و اصلاح ساختارها از طریق کنشگری آگاهانه تأکید می‌کند.

۳. نسبت با نظریات انتقادی و پس‌ساختارگرا:

- همسو با فوکو، این الگو بر نقش گفتمان و قدرت در شکل‌دهی به نظم اجتماعی تأکید دارد، اما برخلاف نگاه بدبینانه فوکو به قدرت، بر امکان استفاده مثبت از قدرت برای ایجاد نظم اجتماعی عادلانه تأکید می‌کند.

- مشابه دریدا، این الگو بر ضرورت واسازی مفاهیم و ساختارهای موجود تأکید دارد، اما برخلاف نگاه نسبی‌گرایانه دریدا، بر امکان دستیابی به حقیقت و ارزش‌های پایدار اصرار می‌ورزد.

- همچون لیوتار، این الگو بر پایان فراروایت‌های مدرن تأکید دارد، اما برخلاف نگاه پسامدرن لیوتار، بر امکان شکل‌گیری روایتی جدید (تمدن نوین اسلامی) تأکید می‌کند.

۳-۴. تحلیل نسبت الگوی پیشنهادی با مفهوم دوران گذار

الگوی نظم اجتماعی نوین در اندیشه رهبری، ارتباط تنگاتنگی با مفهوم "دوران گذار" دارد. این الگو را می‌توان به مثابه نقشه راهی برای عبور از دوران گذار و حرکت به سوی نظم اجتماعی مطلوب تفسیر کرد. چند نکته در این زمینه قابل توجه است:

۱. شناخت ماهیت دوران گذار: این الگو با تأکید بر "پویایی و تحول‌پذیری سازنده" نشان می‌دهد که درک عمیقی از ماهیت متغیر و سیال دوران گذار دارد. برخلاف الگوهای ایستا که تلاش می‌کنند وضعیت موجود را حفظ کنند، این الگو بر ضرورت انطباق‌پذیری و نوآوری مداوم تأکید دارد.

۲. مدیریت چالش‌های دوران گذار: تأکید همزمان بر "استحکام درونی" و "پویایی" نشان می‌دهد که این الگو تلاش دارد تعادلی میان حفظ ثبات و ایجاد تغییر برقرار کند. این رویکرد، راه حلی برای چالش اصلی دوران گذار، یعنی حفظ انسجام اجتماعی در عین پذیرش تغییرات ضروری، ارائه می‌دهد.

۳. بازتعریف هویت در دوران گذار: تأکید بر "اخلاق‌مداری و معنویت‌گرایی" در کنار "خودکفایی و استقلال" نشان می‌دهد که این الگو تلاش دارد هویتی جدید برای جامعه در حال گذار تعریف کند.

این هویت، که ترکیبی از عناصر سنتی و مدرن است، می‌تواند پاسخی به بحران هویت در دوران گذار باشد.

۴. مواجهه با چالش‌های جهانی شدن: تأکید بر "هوشیاری و مقاومت در برابر تهدیدات" در کنار "خودکفایی و استقلال" نشان می‌دهد که این الگو تلاش دارد راهی میانه بین انزوا و ادغام کامل در نظام جهانی بیابد. این رویکرد، پاسخی به چالش اصلی دوران گذار در عصر جهانی شدن، یعنی حفظ هویت و استقلال ملی در عین تعامل سازنده با جهان، ارائه می‌دهد.

۵. بازسازی نهادی در دوران گذار: تأکید بر "شفافیت و پاسخگویی حاکمیتی" نشان می‌دهد که این الگو بر ضرورت بازسازی و اصلاح نهادهای موجود در دوران گذار تأکید دارد. این رویکرد، پاسخی به چالش ناکارآمدی نهادی در دوران گذار است.

۶. مشارکت و همبستگی در دوران گذار: تأکید بر "مشارکت فعال و مسئولانه مردمی" نشان می‌دهد که این الگو، گذار موفق را نه صرفاً امری حاکمیتی، بلکه فرآیندی مشارکتی می‌داند. این رویکرد می‌تواند به تقویت همبستگی اجتماعی در دوران پرتلاطم گذار کمک کند.

۷. عدالت به مثابه محور گذار: برجسته‌سازی "عدالت‌محوری و رفع تبعیض" نشان می‌دهد که این الگو، عدالت را نه صرفاً هدف نهایی، بلکه محور اصلی فرآیند گذار می‌داند. این رویکرد می‌تواند به کاهش تنش‌های اجتماعی ناشی از نابرابری در دوران گذار کمک کند.

۴-۴. ظرفیت‌های الگو برای حل چالش‌های معاصر نظم اجتماعی

الگوی استخراج‌شده از ظرفیت‌های قابل توجهی برای مواجهه با چالش‌های معاصر نظم اجتماعی برخوردار است:

۱. مواجهه با بحران هویت: تأکید همزمان بر "اخلاق‌مداری و معنویت‌گرایی" و "پویایی و تحول‌پذیری" می‌تواند راه حلی برای بحران هویت در جوامع معاصر ارائه دهد. این الگو تلاش می‌کند با حفظ ارزش‌های بنیادین، انعطاف لازم برای سازگاری با شرایط متغیر را فراهم آورد.

۲. پاسخ به چالش نابرابری و بی‌عدالتی: محوریت "عدالت‌محوری و رفع تبعیض" در این الگو، ظرفیت قابل توجهی برای مواجهه با چالش فزاینده نابرابری در جوامع معاصر ایجاد می‌کند. برخلاف الگوهای نئولیبرال که بر رشد اقتصادی صرف تأکید دارند، این الگو بر توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها اصرار می‌ورزد.

۳. مقابله با بحران مشارکت: تأکید بر "مشارکت فعال و مسئولانه مردمی" در کنار "شفافیت و پاسخگویی حاکمیتی" می‌تواند راه حلی برای بحران مشارکت و شکاف میان مردم و حاکمیت در جوامع معاصر ارائه دهد. این رویکرد، ضمن تقویت دموکراسی مشارکتی، بر مسئولیت‌پذیری شهروندان نیز تأکید دارد.

۴. پاسخ به چالش‌های جهانی شدن: تلفیق "خودکفایی و استقلال همه‌جانبه" با "هوشیاری و مقاومت در برابر تهدیدات" می‌تواند الگویی برای حفظ استقلال و هویت ملی در عصر جهانی شدن ارائه دهد. این رویکرد، ضمن پرهیز از انزوا، بر حفظ استقلال راهبردی تأکید دارد.

۵. مواجهه با بحران معنا: تأکید بر "اخلاق‌مداری و معنویت‌گرایی" می‌تواند پاسخی به بحران معنا در جوامع مدرن ارائه دهد. این الگو، برخلاف رویکردهای سکولار که معنویت را به حوزه خصوصی محدود می‌کنند، بر نقش معنویت در شکل‌دهی به نظم اجتماعی تأکید دارد.

۶. پاسخ به چالش ناکارآمدی نهادی: تأکید بر "شفافیت و پاسخگویی حاکمیتی" در کنار "پویایی و تحول‌پذیری سازنده" می‌تواند راهکاری برای مقابله با ناکارآمدی نهادی ارائه دهد. این رویکرد، ضمن حفظ ثبات نهادی، بر ضرورت اصلاح و بهبود مداوم تأکید دارد.

۷. مواجهه با چالش‌های زیست‌محیطی: اگرچه به طور مستقیم در الگو ذکر نشده، اما تأکید بر "مسئولیت‌پذیری اجتماعی" و "عدالت‌محوری" می‌تواند زمینه‌ساز توجه به مسائل زیست‌محیطی و عدالت بین‌نسلی باشد.

۴-۵. دلالت‌های الگو برای حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی

الگوی نظم اجتماعی نوین در اندیشه رهبری را می‌توان به مثابه نقشه راهی برای حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی تفسیر کرد. این الگو دلالت‌های مهمی برای این حرکت دارد:

۱. تلفیق سنت و مدرنیته: این الگو با تأکید همزمان بر ارزش‌های سنتی (مانند معنویت و اخلاق) و ضرورت‌های مدرن (مانند شفافیت و پاسخگویی)، راهی برای تلفیق خلاقانه سنت و مدرنیته در تمدن نوین اسلامی ارائه می‌دهد.
۲. عدالت‌محوری تمدنی: برجسته‌سازی عدالت به عنوان یکی از ارکان اصلی نظم اجتماعی، نشان می‌دهد که تمدن نوین اسلامی، برخلاف تمدن مدرن غربی که بر فردگرایی و سودمحوری استوار است، عدالت اجتماعی را در کانون توجه قرار می‌دهد.
۳. مشارکت فعال در تمدن‌سازی: تأکید بر مشارکت فعال مردمی نشان می‌دهد که تمدن نوین اسلامی، برخلاف الگوهای اقتدارگرا، بر مشارکت گسترده مردم در فرآیند تمدن‌سازی تأکید دارد.
۴. استقلال و تعامل سازنده: تلفیق خودکفایی و هوشیاری نسبت به تهدیدات نشان می‌دهد که تمدن نوین اسلامی در عین حفظ استقلال، به دنبال تعامل سازنده با سایر تمدن‌هاست.
۵. پویایی و نوآوری تمدنی: تأکید بر پویایی و تحول‌پذیری نشان می‌دهد که تمدن نوین اسلامی، برخلاف برخی تصورات ایستا از تمدن اسلامی، بر نوآوری و سازگاری با شرایط متغیر تأکید دارد.
۶. معنویت‌گرایی تمدنی: برجسته‌سازی اخلاق و معنویت نشان می‌دهد که تمدن نوین اسلامی، برخلاف تمدن مادی‌گرای مدرن، بر ابعاد معنوی حیات انسانی تأکید دارد.

۷. شفافیت و پاسخگویی تمدنی: تأکید بر شفافیت و پاسخگویی نشان می‌دهد که تمدن نوین اسلامی، برخلاف برخی الگوهای سنتی حکمرانی، بر ضرورت نظارت عمومی و پاسخگویی حاکمان تأکید دارد.

۴-۶. ارائه راهکارهای عملیاتی برای پیاده‌سازی الگو

برای پیاده‌سازی الگوی نظم اجتماعی نوین و حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی، راهکارهای عملیاتی زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. بازنگری در نظام آموزشی: طراحی نظام آموزشی مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی و معنوی، همراه با تقویت تفکر انتقادی و خلاقیت.
۲. اصلاح ساختارهای اقتصادی: حرکت به سمت الگوی اقتصاد مقاومتی با تأکید بر عدالت توزیعی، خودکفایی راهبردی و مشارکت گسترده مردمی.
۳. توسعه نهادهای مدنی: تقویت و توانمندسازی سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان واسطه میان مردم و حاکمیت.
۴. ارتقای شفافیت و پاسخگویی: ایجاد سازوکارهای نظارتی کارآمد و تقویت آزادی بیان و رسانه‌های مستقل.
۵. توسعه دیپلماسی فرهنگی: گسترش تعاملات فرهنگی با سایر ملل با هدف معرفی الگوی تمدنی نوین اسلامی.
۶. سرمایه‌گذاری در علم و فناوری: تقویت زیرساخت‌های علمی و فناورانه با هدف دستیابی به خودکفایی در حوزه‌های راهبردی.
۷. احیای هویت اسلامی-ایرانی: بازتعریف هویت ملی با تأکید بر عناصر اصیل فرهنگ اسلامی و ایرانی.
۸. توسعه عدالت فضایی: توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌ها در سطح ملی با هدف کاهش شکاف‌های منطقه‌ای.
۹. ارتقای سواد رسانه‌ای: آموزش مهارت‌های تفکر انتقادی و سواد رسانه‌ای برای مقابله با جنگ نرم و تهدیدات فرهنگی.
۱۰. تقویت وحدت ملی: ایجاد سازوکارهایی برای تقویت همبستگی میان اقوام و مذاهب مختلف.

۴-۷. محدودیت‌های پژوهش و پیشنهاد برای مطالعات آتی

پژوهش حاضر به‌رغم تلاش برای جامعیت، با محدودیت‌هایی مواجه بوده است:

۱. محدودیت زمانی: این پژوهش صرفاً بیانات رهبری در بازه زمانی ۱۳۶۸ تا ۱۴۰۱ را مورد بررسی قرار داده است. مطالعات آتی می‌توانند با گسترش بازه زمانی، تحول این اندیشه را در طول زمان بررسی کنند.

۲. تمرکز بر یک منبع: این پژوهش عمدتاً بر بیانات رهبری متمرکز بوده است. پژوهش‌های آینده می‌توانند با بررسی دیدگاه‌های سایر متفکران انقلاب اسلامی، تصویر جامع‌تری از الگوی نظم اجتماعی در گفتمان انقلاب اسلامی ارائه دهند.

۳. محدودیت روش‌شناختی: این پژوهش از روش تحلیل مضمون استفاده کرده است. استفاده از سایر روش‌های کیفی مانند تحلیل گفتمان انتقادی یا نظریه‌پردازی داده‌بنیاد می‌تواند ابعاد دیگری از موضوع را آشکار سازد.

۴. عدم بررسی میدانی: این پژوهش صرفاً بر تحلیل متون متمرکز بوده و بررسی میدانی از نحوه درک و اجرای این الگو در جامعه انجام نشده است. مطالعات آتی می‌توانند با بررسی‌های میدانی، شکاف میان نظریه و عمل را مورد مطالعه قرار دهند.

۵. محدودیت در مقایسه تطبیقی: اگرچه این پژوهش تلاش کرده الگوی استخراج‌شده را با نظریات موجود مقایسه کند، اما این مقایسه می‌تواند عمیق‌تر و گسترده‌تر باشد. مطالعات آتی می‌توانند مقایسه تطبیقی دقیق‌تری با سایر الگوهای نظم اجتماعی در جهان اسلام و غرب انجام دهند.

با توجه به این محدودیت‌ها، پیشنهادها، زیر برای مطالعات آتی ارائه می‌شود:

۱. بررسی تطبیقی الگوی نظم اجتماعی در اندیشه متفکران مختلف انقلاب اسلامی.
۲. مطالعه میدانی نحوه درک و اجرای این الگو در سطوح مختلف جامعه ایران.
۳. بررسی تطبیقی این الگو با الگوهای نظم اجتماعی در سایر کشورهای اسلامی.
۴. مطالعه تاریخی تحول مفهوم نظم اجتماعی در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی از ابتدا تاکنون.
۵. بررسی چالش‌ها و موانع اجرایی شدن این الگو در شرایط کنونی ایران و جهان.
۶. مطالعه نسبت این الگو با مفاهیم مدرن حکمرانی مانند حکمرانی خوب و توسعه پایدار.
۷. بررسی ظرفیت‌های این الگو برای پاسخگویی به چالش‌های نوظهور جهانی مانند تغییرات اقلیمی و انقلاب دیجیتال.

در نهایت، این پژوهش تلاشی بوده است برای ارائه تصویری جامع و منسجم از الگوی نظم اجتماعی نوین در اندیشه رهبری انقلاب اسلامی. این الگو، با ترکیب خلاقانه عناصر سنتی و مدرن، و با تأکید بر ابعاد مادی و معنوی حیات اجتماعی، ظرفیت قابل توجهی برای پاسخگویی به چالش‌های معاصر نظم اجتماعی و حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی دارد. با این حال، تحقق این الگو مستلزم تلاش‌های نظری و عملی گسترده‌ای است که نیازمند مشارکت فعال تمامی نیروهای فکری و اجرایی جامعه است. امید است این پژوهش گامی هرچند کوچک در این مسیر بلند باشد.

منابع و مأخذ

- اکبری، مرتضی و رضایی، فریدون (۱۳۹۶). واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله). فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۳(۵)، ۸۵-۱۰۸.
- امام خمینی (۱۳۴۹[۱۳۸۸])، ولایت فقیه: حکومت اسلامی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- بشیریه، حسن (۱۳۸۱). موانع توسعه سیاسی در ایران. نشر گام نو.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۹۲). حیات معقول. تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- چارواری، خدیجه (۱۳۹۴). نظریه بازسازی اجتماعی. دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران، <https://civilica.com/doc/395168>
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: نشر نی.
- حجاریان، سعید (۱۳۸۰). از شاهد قدسی تا شاهد بازاری. تهران: طرح نو.
- دیرباز، عسکر و گنج‌خانی، آسیه (۱۴۰۱). بررسی مبانی انسان‌شناختی علوم انسانی اسلامی از دیدگاه علامه مصباح یزدی. مطالعات میان‌رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی، ۱(۱)، ۳۷-۵۲.
- ساوه درودی، مصطفی؛ قادری، هاشم و انصاری فرد، حسین (۱۴۰۱). الگوی امنیت اجتماعی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای. فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۱۰(۲)، ۳۷-۶۳.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۵). ما ایرانیان. تهران: نشر نی.
- کاشی، محمدجواد غلامرضا (۱۳۹۰). جادوی گفتار: ذهنیت فرهنگی و نظام‌های معانی در انتخابات دوم خرداد. تهران: نشر نی.
- کچویان، حسین و محمدی، اکبر (۱۴۰۱). انقلابات؛ ظهور جمعی امر قدسی و تأسیس نظم اجتماعی. فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات، ۲۳(۶۰)، ۷-۳۵.
- مرنندی، سید علی. (۱۴۰۲). «وظایف و اختیارات رهبری» از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای مبتنی بر روش تحلیل مضمون. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۶(۱)، ۷-۳۶.
- مرنندی، محمدرضا. (۱۳۹۹). جمهوری اسلامی در اندیشه معماران انقلاب اسلامی. فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۹(۱)، ۲۲۰-۲۳۹.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). جهان‌بینی توحیدی. تهران: صدرا.
- معیدفر، سعید (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی معاصر ایران. همدان: نور علم.
- منصورنژاد، محمد و زمانی محبوب، حبیب (۱۳۹۲). نسبت توسعه و عدالت در سه گفتمان لیبرالیسم، سوسیالیسم و اسلام. پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۱(۱)، ۷۶-۱۰۹.

- مهاجرنیا، محسن (۱۳۹۵). نقش انقلاب اسلامی در ارتقای عدالت بر اساس آموزه‌های اسلامی. *علوم سیاسی*، ۱۹(۷۶)، ۳۱-۵۲. doi: 10.22081/psq.2017.22740
- میرچراغ خانی، حسین و معینی‌پور، مسعود (۱۳۹۸). نظام معرفت‌شناسی آیت‌الله خامنه‌ای در تحلیل مسائل اجتماعی سیاسی. *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۸(۲۸)، ۱۲۳-۱۵۴. doi: 10.22054/qps.2019.29939.1899
- یوسف‌زاده، حسن (۱۳۸۵). نظم اجتماعی در اسلام. *مجله معرفت*، ۱۰۳، ۴۸-۶۰.

References

- Amineh, M. P., & Eisenstadt, S. N. (2016). Theorizing of the Iranian Revolution of 1978–1979: The Multiple Contexts of the Iranian Revolution. In *Varieties of Multiple Modernities* (pp. 149-176). Brill.
- Bauman, Z. (2000). *Liquid Modernity*. Polity Press.
- Beck, U. (1992). *Risk Society: Towards a New Modernity*. Sage Publications.
- Bourdieu, P. (2020[1977]). Outline of a Theory of Practice. In *The New Social Theory Reader* (pp. 80-86). Routledge.
- Carothers, T. (2002). The End of the Transition Paradigm. *Journal of Democracy*, 13(1), 5-21.
- Castells, M. (1996). *The Rise of the Network Society*. Blackwell Publishers.
- Derrida, J. (1976[1967]). *De la grammatologie*. Paris: Les Éditions de Minuit 1976 Of Grammatology. Trans. by Gayatri Chakravorty Spivak. Baltimore: Johns Hopkins University Press.
- Durkheim, E. (2000[1893]). *The Division of Labor in Society*. Blackwell.
- Foucault, M. (1977). *Discipline and Punish: The Birth of the Prison*. Vintage Books.
- Fukuyama, F. (2011). *The Origins of Political Order: From Prehuman Times to the French Revolution*. Farrar, Straus and Giroux.
- Giddens, A. (1984). *The Constitution of Society: Outline of the Theory of Structuration*. Polity.
- Giddens, A. (1990). *The Consequences of Modernity*. Stanford University Press.
- Grinin, L., & Grinin, A. (2022). Revolutionary Waves and Lines of the Twentieth Century. In *Handbook of revolutions in the 21st Century: The New Waves of Revolutions, and the Causes and Effects of Disruptive Political Change* (pp. 315-387). Cham: Springer International Publishing.
- Habermas, J. (1981). *The Theory of Communicative Action*. Beacon Press.
- Habermas, J. (1981). *Theory of Communicative Action (Original: Theorie des kommunikativen Handelns)*. Frankfurt a.M.
- Huntington, S. P. (1968). *Political Order in Changing Societies*. Yale University Press.
- Laclau, E., & Mouffe, C. (2014[1985]). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics* (Vol. 8). Verso Books.
- Leezenberg, M. (2017). Power and Political Spirituality: Michel Foucault on the Islamic Revolution in Iran. In *Michel Foucault and Theology* (pp. 111-128). Routledge.
- Lyotard, J. F. (1994[1979]). The Postmodern Condition. *The Postmodern Turn: New Perspectives on Modern Theory*, 27-38.

- Marx, K. (2019[1867]). Marx's Economic Manuscript of 1867-68 (excerpt). *Historical Materialism*, 27(4), 162-192.
- Moshiri, F. (2019). Iran: Islamic Revolution against Westernization. In *Revolutions of the Late Twentieth Century* (pp. 116-135). Routledge.
- Parsons, T. (1951) *The Social System*. New York: Free Press.
- Scheffer, M. (2020). *Critical Transitions in Nature and Society* (Vol. 16). Princeton University Press.
- Thorne, K. S. (1977). The Relativistic Equations of Stellar Structure and Evolution. *Astrophysical Journal*, 212(15), 825-831.
- Tilly, C. (2007). *Democracy*. Cambridge University Press.
- Weber, M. (2019[1922]). *Economy and Society: A New Translation*. Harvard University Press.
- Worsley, P., Bechhofer, F., & Brown, R. (1987). *The New Introducing Sociology*. Penguin Books.